



توراه اور • پاراشاها בראשית • مامار 7

ויאמר ה' אלקים הן האדם היה כאחד ממנו...

«و ه' اלקيم گفت: اينك، انسان چون يكي از ما شده است»



دانستن شر در «بالا» بی‌زیان است؛ آنجا شناخت فراگیر است و شر را جدا نگه می‌دارد. اما در مورد انسان، که شناختش درونی است، این دانستن به آمیختن با شر می‌انجامد. از این رو ه' درخت معرفت را ممنوع کرد و چون انسان با شر آمیخته شده بود، او را از حیات ابدی بازداشت و فرستاد تا جهان را از راه کشمکش پالایش کند، نه با نور محض.

تقديم به افتخار

מוקדש לכבוד הגאון המקובל רבי לוי יצחק שניאורסאהן זצ"ל

پدر ربّه، رب لیوی ییتسחק

LikuteiTorah.com

پاراشای حسیدی



/likuteitorah.com/fa/torah-ohr/bereishis/7

مقصود اصلی

دانستن شر در «بالا» بی‌زیان است؛ آنجا شناخت فراگیر است و شر را جدا نگه می‌دارد. اما در مورد انسان، که شناختش درونی است، این دانستن به آمیختن با شر می‌انجامد. از این رو **ה'** درخت معرفت را ممنوع کرد و چون انسان با شر آمیخته شده بود، او را از حیات ابدی بازداشت و فرستاد تا جهان را از راه کشمکش پالایش کند، نه با نور محض.

در هر بخش: متن عبری، سپس ترجمه، و پس از آن توضیحی کوتاه زیر خطی طلایی. شماره‌های کوچک در متن عبری، یادداشت‌های پایان متن هستند.

خلاصه مامار

این گفتار (**מאמר**, maamar) می‌پرسد چرا درخت معرفت «چشمانشان را گشود»، چرا **ה'** انسان را از درخت حیات بازداشت و مار از کجا می‌دانست خوردن آن چه پیامدی دارد. پاسخ بر تفاوت میان شناخت محیط (**מקיף**, makif) و شناخت درونی (**פנימי**, pnimi) استوار است. در بالا، خیر و شر تنها به‌شیوه‌ای محیط شناخته می‌شوند؛ از این رو شر جدا می‌ماند، همان‌گونه که کندر به ادویه دیگر حیات می‌بخشد، بی‌آنکه با آنها درآمیزد. انسان موجودی درونی است: هرچه را بشناسد، جزئی از او می‌شود؛ پس شناختن شر به آمیختن با آن انجامید و جنگ درازمدت میان خیر و شر را در هر نسل آغاز کرد. **ה'** می‌خواست انسان سراسر مقدس بماند و جهان را با فروکشاندن چنان نور فراوانی پالایش کند که جرقه‌های فروافتاده خودبه‌خود در آن جذب شوند، مانند شمعی در برابر مشعلی. پس از گناه، حیات ابدی درخت حیات که از تاج (**כסר**, Keser)، فراتر از تمایزها، سرچشمه می‌گیرد، شر درون انسان را نیز ابدی می‌کرد؛ از این رو انسان فرستاده شد تا «زمین را کار کند» و آن را با کار، دعا و نیروی جداکننده حکمت (**חכמה**, Chochmah) پالایش کند. مار که خود ریشه در درخت معرفت داشت، همه اینها را فهمید و حقیقتی زیرکانه به حوا (**חווה**) گفت.

طرح کلی

- | | | |
|--|---|-----|
| 1 | پرسش‌ها | 2-1 |
| <p>چرا درخت معرفت چشمانشان را گشود، چرا انسان از درخت حیات بازداشته شد و مار از کجا می‌دانست؟ پاسخ از اینجا آغاز می‌شود: در بالا، خیر و شر شناخته می‌شوند، اما با هم نمی‌آمیزند.</p> | | |
| 2 | شناخت محیط و درونی | 3-4 |
| <p>شناخت بالا محیط است و شر را جدا نگه می‌دارد؛ چنان‌که در مثال عنکبوت در کاخ شاه، در هوداله (הבדלה, Havdalah) و در کندر می‌بینیم. درخت معرفت، شناخت درونی است؛ جایی که خیر و شر واقعاً با هم می‌آمیزند.</p> | | |
| 3 | طبیعت درونی انسان و جنگ با شر | 5-7 |
| <p>چون انسان آنچه را می‌شناسد در خود جذب می‌کند، شناختن شر او را با آن آمیخت؛ این امر کشمکش نوسانی را در نسل‌ها پدید آورد و، در معنای ساده آیه، به آگاهی از میل و خواهش انجامید.</p> | | |
| 4 | چرا انسان از درخت حیات بازداشته شد | 8-9 |
| <p>درخت حیات که ریشه در مرتبه‌ای فراتر از شکستن ظرف‌ها و در Keser دارد، شر درون انسان را ابدی می‌کرد. شر باید به‌وسیله حکمت و قوای سخت‌گیرانه (גבורות, gevuros) آن پالوده شود تا مرگ برای همیشه در کام فرو رود.</p> | | |

خواندن بخور مانع طاعون شد، اما گناه را از میان نبرد؛ انسان فرستاده شد تا زمین را کار کند و جرقه‌ها را پالایش کند. در آغاز، او می‌توانست آنها را با نور ۲۴۸ فرمانِ ایجابی جذب کند، همچون شمع‌ی در برابرِ مشعلی.

در روزگارِ معبد و برای آدم پیش از گناه، جرقه‌ها خودبه‌خود جذب می‌شدند؛ پس از گناه، باید با کار و دعا به دست آیند: «زمانِ دعا، زمانِ جنگ است.»

مار که ریشه در درختِ معرفت داشت، ممنوعیت را می‌فهمید و برای آن‌که در نورِ آدم جذب نشود، با گفتنِ حقیقتی زیرکانه انسان را به جنگ کشاند.

از آریزال (האריז"ל): آدم با این‌که فقط موافقت کرد نگاهی به تالارهای ناپاکی بیندازد، سقوط کرد؛ از ربی ابراهیم (אברהם)، پسرِ مگید (המגיד ממעזריטש): یهودا (יהודה) به قلمرو پوسته‌ها (קליפות, kelipos) «روی آورد» تا جرقه‌ها را بالا ببرد.

مفاهیم کلیدی

محیط و درونی (pnimi و makif) מקיף و פנימי

شناخت یا نوری که محیط است، از بالا بر چیزی اثر می‌گذارد، بی‌آنکه در آن وارد شود؛ از این‌رو از آن جدا می‌ماند. شناختِ درونی جذب می‌شود و جزئی از شناسنده می‌گردد. این نکته محوریِ گفتار توضیح می‌دهد چرا شناختنِ شر به انسان آسیب می‌رساند، اما به عوالم برتر نه.

درختِ معرفتِ خیر و شر עץ הדעת טוב ורע

مرتبه آمیختگی، جایی که خیر و شر از یکدیگر نیرو می‌گیرند و در هم می‌آمیزند؛ این مرتبه از شکستنِ ظرف‌ها پدید می‌آید.

پالایش‌ها (beirurim) בירורים

کارِ جدا کردنِ جرقه‌های قدسی از شری که در آن گرفتار شده‌اند و بالا بردنِ آنها؛ وظیفه انسان پس از گناه که با کار، خوردن، دعا و فرمان‌ها انجام می‌شود.

شمعی در برابرِ مشعل כנר בפני האבוקה

تصویری از پالایش با نور: چون به‌اندازه کافی قداست آشکار شود، جرقه‌های فروافتاده خودبه‌خود در آن جذب می‌شوند، بی‌آنکه جنگی درگیر.

حکمت به‌منزله دآوری חכמה נקראת דיו

از آنجا که «به‌وسیله حکمت پالوده می‌شوند»، حکمت دارای قوای سخت‌گیرانه است که خیر را از شر جدا می‌کند؛ برخلاف Keser که رحمت محض است و تمایزی نمی‌گذارد.

جرقه‌های قدسی נצוצי קדושה

نیروی حیاتی مقدسی که به قلمرو شر فروافتاده و آن را برپا نگه می‌دارد؛ چون این نیرو پس گرفته و بالا برده شود، پوسته (קליפה) از هستی بازمی‌ایستد.

پرسش‌ها

1 ویاמר ה' אלקים הן האדם^{1,2} היה כאחד ממנו לדעת טוב ורע ועתה פן ישלח ידו כו'. י"ל [יש לומר] א'

מהו שע"י עה"ד [עץ הדעת] נפקחו עיניהם להיות כאלקים יודעי טו"ר [טוב ורע].³

«و نام چهارحرفی (ה', Havayah) و نام אלקים (אלקים, Elokim) فرمود: «اینک انسان مانند یکی از ما شده است، که نیک و بد را می‌شناسد؛ و اکنون، مبدا دستش را دراز کند و...» جای پرسش است: نخست، معنای این چیست که به واسطهٔ درخت شناخت چشمانشان گشوده شد تا مانند ه'، نیک و بد را بشناسند؟

این گفتار حسیدی (maamar, مامار) با سخنان ه' پس از آن آغاز می‌شود که آدم (آדם) و حوا (חוה) از درخت شناخت خوردند. پرسش نخست این است: چرا خوردن میوه‌ای باید «چشمانشان را بگشاید» و آنان را «مانند ه'، دانای نیک و بد» سازد؟ این چه نوع شناختی است و چرا باید از خوردن پدید آید؟

وگم מ"ש ה' אלקים ועתה פן ישלח ידו ולקח גם מעץ החיים ואכל וחי לעולם ומה איכפת לו בזה הרי מה שצוה אותו שלא לאכול הוא ג"כ כדי שלא ימות.

و نیز [باید فهمید] مراد از سخی ה' אלקים چیست: «و اکنون، مبدا دستش را دراز کند و از درخت حیات نیز بگیرد و بخورد و تا ابد زنده بماند» — چرا این امر باید مایهٔ نگرانی او باشد؟ زیرا آنچه به او فرمان داده بود که نخورد نیز برای این بود که نمیرد.

پرسش دوم این است: سپس ه' انسان را بیرون می‌راند تا از درخت حیات نخورد و تا ابد زنده نماند. اما فرمان نخستین ه' خود برای این بود که انسان زنده بماند («روزی که از آن بخوری، خواهی مرد»). پس چرا ه' اکنون نگران است که مانع زندگی ابدی او شود؟

2 ועוד והוא העיקר מאין ידע הנחש מזה אשר ביום אכלכם ממנו ونפקחו עיניכם⁴ שלפי האמת כן הוא.

افزون بر این، و این [پرسش] اصلی است: مار از کجا این را می‌دانست — «که روزی که از آن بخورید، چشمانتان گشوده خواهد شد» — سخنی که در حقیقت درست است؟

پرسش اصلی این است: مار به حوا (חוה) گفت که خوردن، چشمانشان را خواهد گشود؛ و این گفتار حسیدی (maamar, مامار) نشان خواهد داد که این سخن در واقع درست بود. مار چگونه چیزی را می‌دانست که ه' به انسان نگفته بود؟

ואם אדם ששמע הצווי מהקב"ה לא הכיר בזה רק כפשוטו שאמר לו ה' אלהים כי ביום אכלך ממנו מות תמות⁵ והנחש לא נזכר כלל ששמע הצווי הזה

و اگر آدم (آدم)، که فرمان را از قدوس متبارک (קב"ה / קודשא בריך הוא, Kudsha Brich Hu) شنیده بود، از آن چیزی جز معنای ظاهری‌اش نفهمیده بود – اینکه **ה' אלקים** به او گفته بود: «زیرا روزی که از آن بخوری، به یقین خواهی مرد» – و اصلاً گفته نشده است که مار این فرمان را شنیده باشد؛

اگر آدم، که فرمان را مستقیماً از **ה'** شنیده بود، فقط معنای ظاهری آن، یعنی هشدارِ مرگ، را فهمید، مار چگونه بیشتر از او می‌دانست؟ اصلاً گفته نشده است که مار فرمان را شنیده باشد.

וגם אם שמע כשנצטווה אדם מאין היה בו בינה יתירה להבין דבר מתוך דבר יותר מהאדם עצמו. אם לא שנאמר שגבוה הוא מהאדם וכ"ז [וכל זה] פלאי.⁶

و حتی اگر آن را هنگام فرمان‌گرفتن آدم شنیده بود، از کجا چنین فهم افزون‌تری داشت که بتواند چیزی را از چیز دیگر استنباط کند، بیش از خود آدم؟ مگر آنکه بگوییم از انسان برتر است – و همه اینها شگفت‌انگیز است.

حتی اگر مار آن فرمان را شنیده بود، چگونه می‌توانست بیش از خود آدم از آن چیزی استنباط کند؟ این معنا می‌دهد که مار از انسان برتر است؛ امری شگفت‌انگیز، زیرا انسان تاج آفرینش بود.

הנה תחלה יתבאר מ"ש האדם היה כאחד ממנו לדעת טו"ר [טוב ורע]⁷ שהוא מאמר ה' להמלאכים ומשמע שלמעלה יודעים את הטוב ואת הרע גם שניהם.

اکنون نخست آنچه را در این عبارت آمده است روشن سازیم: «انسان چون یکی از ما شده است و نیک و بد را می‌شناسد»؛ این سخن **ה'** خطاب به فرشتگان است، و از آن برمی‌آید که در عوالم بالا آنان نیک و بد، هر دو را می‌شناسند.

آلتر ربه پاسخ خود را با عبارت «چون یکی از ما» آغاز می‌کند. **ה'** با فرشتگان، یعنی موجودات برتر، سخن می‌گوید؛ و این عبارت می‌رساند که آنان نیز در بالا هم نیک و هم بد را می‌شناسند.

אבל מ"מ אינן מעורבים זה בזה כי גלוי וידוע שזה טוב וזה רע ומובدل הרע מן הטוב אע"פ [אף על פי] שידוע שם הטו"ר [הטוב ורע].

با این همه، آنها با یکدیگر آمیخته نیستند، زیرا آشکار و معلوم است که این نیک است و آن بد، و بد از نیک جداست، هرچند نیک و بد در آنجا شناخته شده‌اند.

با این حال، شناختن بد در بالا به معنای آمیختن با آن نیست: هر یک به روشنی همان‌گونه که هست شناخته می‌شود و بد از نیک جدا می‌ماند.

משא"כ בחי' עה"ד [עץ הדעת] **טו"ר** [טוב ورع] **היינו בחי' תערובת הטוב עם** ⁸ **רע שהרע יונק מהטוב והטוב מהרע והיו לאחדים.**

اما مرتبه / جنبه (بחינה, bechinah) درخت شناخت نیک و بد، چنین نیست؛ مقصود، مرتبه آمیختگی نیک با بد است، جایی که بد از نیک نیرو می‌گیرد و نیک از بد، و آن دو یکی می‌شوند.

شناخت درخت شناخت، نوع دیگری از شناخت است: نیک و بد درهم می‌آمیزند و هر یک از دیگری نیرو می‌گیرد، تا آنجا که با هم یکی می‌شوند. این همان چیزی است که انسان با خوردن از آن در خود پذیرفت.

بخش 2 • 311-4

شناخت محیط و درونی

3 **וצ"ל דהרי פי' עץ הדעת טוב ورע היינו לשון ידיעה וא"כ למה נעשה תערובת טו"ר** [טוב ورع] **מחמת הדעת בטו"ר** [بטوب ورع] **הלא למעלה ג"כ ידוע הטو"ר** [הטוב ورع].

اکنون این مطلب نیازمند [توضیح] است: زیرا معنای «درخت شناخت نیک و بد» عبارت از دانستن است؛ پس چگونه شناخت نیک و بد سبب آمیختگی نیک و بد شد؟ در بالا نیز نیک و بد شناخته شده‌اند!

اشکالی مطرح می‌شود: «درخت شناخت» به معنای دانستن است. اگر دانستن نیک و بد سبب آمیختن آنها می‌شود، چرا در بالا، جایی که نیک و بد نیز شناخته شده‌اند، چنین آمیختگی‌ای پدید نمی‌آید؟

אך ההפרש בזה הוא ענין ההפרש בין מקיף לפנימי כי בחי' ידיעת הטו"ר [הטוב ورع] **שלמעלה היא בבחי' מקיף בלבד**

اما تفاوت اینجا، از سنخ تفاوت میان احاطه‌گر (מקיף, makif) و درونی (פנימי, pnimi) است؛ زیرا شناخت نیک و بد در بالا تنها به صورت احاطه‌گرانه است.

پاسخ، تمایز میان احاطه‌گر، یعنی «مקיף» (makif)، و درونی، یعنی «پנימי» (pnimi)، است. چیزی که به صورت احاطه‌گرانه شناخته می‌شود، از بیرون و از بالا درک می‌شود، بی‌آنکه جذب شود؛ اما چیزی که به صورت درونی شناخته می‌شود، در خود شخص جای می‌گیرد. در بالا، شناخت نیک و بد تنها احاطه‌گرانه است.

ולכן יכול להיות הבדלה בין טוב לרע שידע את הרע ולא יחליפנו ולא ימירנו ⁹ **בטוב ח"ו** [חס ושלום].

از این رو می‌تواند میان نیک و بد جدایی باشد؛ بدی را بشناسد، اما حاشا که آن را با نیکی عوض کند یا جایگزین نیکی سازد.

چون شناخت در بالا تنها احاطه‌گرانه است، نیک و بد را از یکدیگر جدا نگه می‌دارد: می‌توان بدی را شناخت، بی‌آنکه با نیکی درآمیزد. این تعبیر به حکم تورات درباره حیوان وقف‌شده اشاره دارد که نباید آن را تبدیل کرد و خوب را به بد، یا بد را به خوب بدل ساخت.

כענין שממית בידים תתפש¹⁰ והיא בהיכלי מלך שאע"פ [שאף על פי] שהיא בהיכלי מלך אבל יודע הוא ומכירה ששממית היא.

این مانند این است که «عنکبوت را می‌توان با دست گرفت، و با این حال در کاخ‌های پادشاه است»: با آنکه در کاخ‌های پادشاه است، او می‌داند و تشخیص می‌دهد که عنکبوت است.

آیه مربوط به عنکبوت در کاخ پادشاه این نکته را روشن می‌کند: عنکبوت حتی در کاخی نیز ممکن است یافت شود، اما کسی که آن را می‌بیند می‌داند که چیزی جز عنکبوت نیست. حضور در یک مکان مشترک، هویت آن را مبهم نمی‌کند.

4 ויש הבדלה בין טוב לרע כמאמר המבדיל בין קודש לחול.¹¹ והיינו מצד שידע טו"ר [טוב ورע] בבחינת מקיף עליהם ולכן אינם מתערבים יחד.

و میان نیکی و بدی جدایی هست؛ چنان‌که در برکت [می‌گویند]: «آن‌که میان مقدس و دنیوی جدایی می‌افکند.» یعنی، چون او نیکی و بدی را در مقام احاطه بر آنها می‌شناسد، از این‌رو آنها با یکدیگر در نمی‌آمیزند.

جدایی میان نیکی و بدی در عوالم بالا مانند برکت هَوْلَاه است: «آن‌که میان مقدس و دنیوی جدایی می‌افکند.» چون شناخت ه' نسبت به آنها از بالا بر آنها احاطه دارد، آنها متمایز از یکدیگر باقی می‌مانند.

וכענין בחינת לבונה זכה¹² שבי"א סממני הקטורת שהעשרה סממנים הם י' נצוצי קדושה המובלעים בקליפות והי"א היא לבונה היא בחינת מקיף עליהם ואינה מתלבשת בפנימיותם.¹³

این مانند مرتبه کندر خالص در میان یازده ادویه بخور است: ده ادویه، ده جرقه قدسی‌اند که در پوسته‌ها (קליפות, kelipos) فروبلعیده شده‌اند، و یازدهمی، یعنی کندر، مرتبه‌ای است که بر آنها احاطه دارد و در درون آنها جای نمی‌گیرد.

نمونه دوم: بخور معبد یازده ادویه داشت. ده ادویه به جرقه‌های قدسی‌ای تشبیه شده‌اند که درون پوسته‌ها (پوشش‌های پنهان‌ساز) فروبلعیده شده‌اند؛ حال آنکه یازدهمی، یعنی کندر، نماد نوری است که بر آنها احاطه دارد، بی‌آنکه وارد درونشان شود.

(ولבונה היא ג"כ חיות להם אבל לפי שהחיות הזה שהיא מחיה אותם הוא רק ע"י שהיא בבחי' מקיף בלבד עליהם ע"כ אינה מתערבת עמם כלל וכולה טוב).

(و کندر نیز نیروی حیاتی آنهاست؛ اما چون این نیروی حیاتی که به آنها حیات می‌بخشد، تنها از آن‌روست که صرفاً در مقام احاطه بر آنهاست، پس به‌هیچ‌وجه با آنها در نمی‌آمیزد و سراسر نیکی است.)

کندر به آنها حیات نیز می‌بخشد؛ با این حال، چون این کار را تنها از بیرون، در مقام نوری فراگیرنده، انجام می‌دهد، هرگز با آنها در نمی‌آمیزد و یکسره نیکی باقی می‌ماند.

והנה המקיף הוא גם דוחה את החיצונים כנראה בציור האילן¹⁴ שבפרד"ס [שבפרדס רמונים] במקיפים ופנימיים שמעמד ומצב הקליפות אחוריהם אל המקיף כו'. משא"כ בחי' עה"ד [עץ הדעת] טו"ר [טוב ורע] הוא בחי' פנימי¹⁵ ואז הטוב מעורב עם הרע ממש.

ו נור־פראגירנדה نیروهای بیرونی را نیز دفع می‌کند؛ چنان‌که در نمودارِ درخت در پردس، در تصویرِ نورهای فراگیرنده و درونی، دیده می‌شود که جایگاه و حالتِ پوسته‌ها پشت به نورِ فراگیرنده است و الی آخر. اما مرتبۀ درختِ شناختِ نیکی و بدی چنین نیست: آن مرتبه، مرتبۀ درونی است و در آن، نیکی واقعاً با بدی آمیخته است.

نورِ فراگیرنده حتی نیروهای بیرونی منفی را نیز پس می‌راند: در «نمودارِ درخت» – نموداری از مراتبِ تجلی (سפירות, Sefiros) و عوالم – که در پردس آمده، پوسته‌ها پشت به نورهای فراگیرنده ترسیم شده‌اند. (یادداشتِ کِهوت پیشنهاد می‌کند که منظور، نموداری باشد که در پایانِ کتابِ Pa'amom VeRimon چاپ شده است.) در مقابل، درختِ شناخت، شناختی درونی است و در آن نیکی و بدی به‌راستی با هم آمیخته‌اند.

بخش 3 • 51-7

طبیعتِ درونی انسان و جنگ با شر

5 וז"ש [וזהו שכתוב] הן האדם היה כאחד ממנו.¹⁶ פ"י שהוא היה ג"כ כאחד ממנו פ"י כמו שבבחי' אחדות דהיינו למעלה ידוע הטו"ר [הטוב ורע] כן היה גם הוא ע"י שטעם מעה"ד [מעץ הדעת] המעורב טו"ר [טוב ורע].

این است [معنای] آنچه گفته شده است: «هان، انسان همچون یکی (کأحد، ke'echad) از ما شده است.» یعنی او نیز همچون یکی از ما شد؛ مقصود این است که همان‌گونه که در مرتبۀ یگانگی (אחדות, achdus)، یعنی در بالا، نیکی و بدی شناخته می‌شوند، او نیز از آن رو که از درختِ شناختِ نیک و بد چشید، چنین شد؛ درختی که نیکی و بدی در آن آمیخته‌اند.

اکنون آیه توضیح داده می‌شود: «همچون یکی (کأحد) از ما» به معنای «همچون [قلمرو] یگانگی» خوانده می‌شود؛ یعنی در بالا. انسان با خوردن از درختِ شناخت، نیکی و بدی را همان‌گونه شناخت که در آن مرتبه شناخته می‌شوند.

أبـل لـو الـدبـر مـزیک کـی الـهـی الـأدم الـهـو مـبـحـی' فـنـیـمـی' [فـنـیـمـیـوت / فـنـیـمـیت] و مـید شـیدـע الـهـو מן الـרע ע"י שטעם מעה"ד [מעץ הדעת] הרי יתערב עמו ויהי' [ויהיה] הוא ממש מעורב ברע.

اما این امر برای او زیان‌بار است، زیرا انسان از مرتبۀ درونی است؛ و همین که به‌سبب چشیدن از درختِ شناخت از بدی آگاه شود، با آن درمی‌آمیزد و خود او واقعاً با بدی آمیخته خواهد شد.

اما برای انسان این امر زیان‌بار است، زیرا انسان موجودی درونی (פנימי, pnimi) است؛ هرچه را بدانند، در خود می‌گیرد. وقتی از بدی آگاه شد، بدی جزئی از او شد.

לא כמו שהוא למעלה שאעפ"י [שאף על פי] שיודעים גם את הרע מ"מ מובדל הוא ומרוחק מן הטוב ואין לו התקרבות כו' לפי שהוא בבחי' מקיף.

نه آن گونه که در بالا است؛ جایی که با آنکه بدی را نیز می شناسند، با این همه از نیکی جدا و دور است و نزدیکی ای [به آن] ندارد و مانند آن؛ زیرا در حالت فراگیرنده است.

در بالا وضع متفاوت است: بدی شناخته می شود، اما دور از نیکی می ماند، زیرا شناخت در آنجا فراگیرنده است.

אבל האדם שהוא מבחי' פנימי כשידע גם הוא מן הרע אזי יתערב הוא גם הוא ממש¹⁷ עם הרע

اما انسان، که از مرتبه درونی است، هنگامی که او نیز از بدی آگاه شود، خود او نیز واقعاً با بدی درمی آمیزد.

انسان، چون درونی است، نمی تواند بدی را از فاصله بشناسد؛ شناختن آن یعنی با آن آمیختن.

כי בבחי' פנימי' [פנימיות / פנימית] א"א להיות כ"כ [כל כך] מובדל הרע כנ"ל ואז הוא קשה מאד להפריד את

הרע אלא מלחמה עצומה היא ולאם מלאם יאמץ¹⁸ פעמים זה גובר ופעמים שכנגדו גובר.

زیرا در مرتبه درونی ناممکن است که بدی تا این اندازه جدا باشد، چنان که پیش تر توضیح داده شد؛ و آن گاه جدا کردن بدی بسیار دشوار است، بلکه جنگی عظیم درمی گیرد: «و ملتی بر ملتی دیگر نیرومندتر خواهد شد»؛ گاهی این یکی چیره می شود و گاهی حریفش.

وقتی بدی در درون او آمیخته شد، جدا کردنش بسیار دشوار است؛ این به جنگی پیوسته بدل می شود، مانند دوقلوهای ریوکا (רבקה، Rivkah) که درباره شان گفته شده است: «و ملتی بر ملتی دیگر نیرومندتر خواهد شد»؛ هرگاه یکی سربرآورد، دیگری فرو می نشیند.

כאשר מצאנו ראינו שנשמות ישראל מראש הדורות עד עתה שהיו כמה עתים משונים פעמים בדור א' היו נשמות שבמעלה עליונה ונצחו את הרע.

چنان که از نخستین نسل ها تا امروز در روح های اسرائیل یافته و دیده ایم، دوره های گوناگونی بوده است: گاهی در یک نسل، روح هایی در مرتبه ای والا بودند که بر بدی چیره شدند،

تاریخ گواه این امر است: در برخی نسل ها روح هایی والا بودند که بر بدی غلبه کردند.

6 **ובדור אחר היו רשעים גדולים שגבר הרע מאד. והיינו כי כולם נמשכים מאדה"ר [מאדם הראשון] והיה בו ג"כ שינויים אלו פעמים גבר הוא ופעמים גבר הרע עליו.**

و در نسلی دیگر، مردانی بسیار شرور بودند که شر در آنان بسیار چیره شده بود. علت این است که همه آنان از آدم نخستین (آدم הראשון, Adam HaRishon) سرچشمه می‌گیرند، و این دگرگونی‌ها در او نیز بود: گاهی او چیره می‌شد و گاهی شر بر او چیره می‌گشت.

در نسل‌های دیگر مردانی بسیار شرور بودند. این فراز و فرود از آدم به ارث رسیده است؛ او ریشه همه نفوس است و خود نیز گاه چیره می‌شد و گاه شر بر او چیره می‌گشت.

וכ"ז [וכל זה] היה לפי שהוא בבחי' פנימיות ומיד שידע מן הרע נתערב עמו ממש וא"כ הוא מלחמה גדולה וקשה להפרידו מאד אלא עת כך ועת כך כנ"ל.

همه اینها از آن رو بود که او از مرتبه بُعد درونی (بחינה, bechinah; پنیمیوت, pnimiyus) است؛ و به محض آنکه از شر آگاه شد، حقیقتاً با آن درآمیخت. پس این نبردی بزرگ است و جدا کردن آن بسیار دشوار؛ بلکه [زمانی هست] برای این و زمانی [برای] آن، چنان‌که پیش‌تر توضیح داده شد.

همه اینها از سرشت درونی انسان ناشی می‌شود: همین که از شر آگاه شد، شر حقیقتاً با او درآمیخت؛ و کشمکش برای جدا کردن آن پیوسته فراز و فرود دارد: «زمانی برای این و زمانی برای آن.»

7 **וכן גם עפ"י [על פי] פשוט שמקודם היו ערומים והיו עסוקים בתשמיש להוליד בנים ולא יתבוששו¹⁹ כמו שהיו אוכלים ושותים כי מצות ה' היא ולא היו יודעים כלל שיש תאוה בזה²⁰**

همچنین، بر پایه معنای ساده [آیه]، پیش‌تر برهنه بودند و برای به دنیا آوردن فرزندان به آمیزش زناشویی می‌پرداختند و «شرم نداشتند»، همان‌گونه که می‌خوردند و می‌آشامیدند؛ زیرا این فرمان ه' بود و اصلاً نمی‌دانستند که در این کار میلی وجود دارد؛

همین نکته در سطح معنای ساده نیز صدق می‌کند: پیش از گناه، آدم (آدم) و حوا (حوا) برهنه بودند و «شرم نداشتند» (پیدایش ۲:۲۵). آنان برای داشتن فرزند، به همان سادگی خوردن و آشامیدن با یکدیگر پیوند می‌یافتند؛ این کار را به عنوان اجرای فرمان ه' انجام می‌دادند و هیچ آگاهی‌ای از میل نداشتند.

אבל אחר שאכל עה"ד [עץ הדעת] וידעו שיש תאוה בזה אזי קשה לפרוש כו'.

اما پس از آن‌که او از درخت شناخت خورد و آنان دانستند که در این کار میلی وجود دارد، آن‌گاه خودداری دشوار می‌شود و الی آخر.

پس از خوردن از درخت شناخت، آنان از میل آگاه شدند و از آن پس خویشتن‌داری دشوار شد.

چرا انسان از درختِ حیات بازداشته شد

8 ולכן לא רצה הקדוש ברוך הוא שיטעם האדם מעה"ד [מעץ הדעת] כי לו הדבר מזיק כנ"ל והיה רוצה שלא

ידע ממצیאת הרע כלל ויהיה כולו קדוש ולא רצה להכניסו במלחמה עצומה הזאת.

بنابراین، ה' نمی‌خواست آدم از درخت دانش بچشد، زیرا این امر، چنان‌که پیش‌تر توضیح داده شد، برای او زیان‌بار است. او می‌خواست آدم اصلاً از وجود شر آگاه نشود و سراپا مقدس بماند؛ و نمی‌خواست او را به این نبرد عظیم وارد کند.

به همین سبب ه' آدم را از درخت دانش منع کرد: آگاهی از شر به آدم آسیب می‌رساند، زیرا آدم آنچه را می‌شناسد در خود می‌گیرد. ه' می‌خواست آدم سراپا مقدس بماند و هرگز به نبرد با شر کشیده نشود.

ואכל אחר שכבר טעם מעה"ד [מעץ הדעת] ונתערב ברע אז אמר פן ישלח ידו ולקח גם²¹ מעה"ח [מעץ החיים]

ואכל וחי לעולם.

اما پس از آن‌که آدم از درخت دانش چشید و با شر آمیخته شد، آن‌گاه فرمود: «مبادا دست دراز کند و از درخت حیات نیز بگیرد و بخورد و تا ابد زنده بماند.»

اکنون پرسش دوم پاسخ داده می‌شود: ه' تنها پس از آن‌که آدم از پیش خورده و با شر آمیخته شده بود، دربارهٔ درخت حیات ابراز نگرانی کرد.

פי' שחשש עוד מעתה שכבר נתערב ברע ולקח גם מעה"ח [מעץ החיים] ששרשו מבחי' שלמעלה

מהשבירה שמשם הוא שהיה התחלת המיתה והתהוות עה"ד [עץ הדעת] טו"ר [טוב ורע] משא"כ מה

שלמעלה מהשבירה הוא עה"ח [עץ החיים] ואם יאכל גם ממנו וחי לעולם.

یعنی اکنون، با توجه به آن‌که آدم با شر آمیخته شده بود، نگران بود [که او] از درخت حیات نیز بگیرد؛ درختی که ریشه‌اش از مرتبه‌ای فراتر از شکستگی است – زیرا آغاز مرگ و پدیدآمدن درخت دانش نیک و بد از [شکستگی] بود، حال آن‌که آنچه فراتر از شکستگی است درخت حیات است – و اگر آدم از آن نیز بخورد، تا ابد زنده خواهد ماند.

ریشهٔ درخت حیات در مرتبه‌ای فراتر از «شکستگی ظرفها» است؛ آن شکست کیهانی آغازین که در قباله، شر و مرگ از آن سرچشمه می‌گیرند. درخت دانش، با آمیختگی نیک و بدش، از شکستگی سرچشمه می‌گیرد؛ درخت حیات از مرتبه‌ای سرچشمه می‌گیرد که از آن مصون است، و خوردن از آن زندگی ابدی می‌بخشد.

פ'י כי הרי באמת בבחי' זו נאמר אם צדקת מה תתן לו (איוב לה) ורבו פשעיך מה תעשה לו²²

یعنی، زیرا در حقیقت دربارهٔ این مرتبه گفته شده است: «اگر پارسا باشی، چه چیزی به او می‌دهی» (ایوب 35)، «و اگر گناهانت بسیار باشد، چه می‌توانی با او بکنی؟»

در آن مرتبه بلند، کردارهای انسان هیچ تفاوتی ایجاد نمی‌کنند: چنان‌که الیهو به ایوب می‌گوید، پارسایی انسان چیزی به ه' نمی‌افزاید و گناهان بسیار او نیز هیچ کاری با ه' نمی‌کند.

**וא"כ אף שמעורב ברע הרי גם אם רבו פשעיך כו' ויכול להיות וחי לעולם ואז גם הרע שבו יהיה לו
קיום לעולם**

پس، با آن‌که آدم با شر آمیخته است، باز هم حتی اگر «گناهانت بسیار باشد...» می‌تواند «تا ابد زنده بماند»؛ و آن‌گاه شری که در اوست نیز تا ابد باقی خواهد ماند،

پس حتی انسانی که با شر آمیخته و سرشار از گناه است نیز می‌تواند از آن زندگی ابدی دریافت کند؛ و در آن صورت، شری که در اوست نیز تا ابد باقی خواهد ماند.

**מאחר שהוא בבחי' פנימי' [פנימיות / פנימית] והרע מעורב כו' וא"א לו להפרידו מעליו. א"כ כשיהיה הוא
חי לעולם אזי גם הרע שבו יהיה לו קיום לעולם.²³**

زیرا او در بُعد درونی (פנימיות, pnimiyus) است و شر در [او] آمیخته است، و جدا کردن آن از خود برایش ناممکن است. پس اگر او تا ابد زنده باشد، شری که در اوست نیز تا ابد باقی خواهد ماند.

زیرا انسان موجودی درونی است و شر در او آمیخته است؛ او نمی‌تواند آن را از خود جدا کند. پس اگر تا ابد زنده می‌ماند، شری که در اوست نیز تا ابد محفوظ می‌ماند.

**9 וזהו היפך הכוונה שהרי צ"ל בלע המות לנצח²⁴ שיהיה ובערת הרע כמאמר והרשעה כולה בעשן
תכלה שזה יהיה לימות המשיח.**

و این درست خلاف مقصود است؛ زیرا باید [تحقق] «او مرگ را برای همیشه فرو خواهد بلعید» باشد، و «شر را ریشه‌کن کنی»، چنان‌که در دعا آمده است: «و همهٔ شرارت همچون دود نابود خواهد شد»؛ و این در روزگار **مשיח** (Moshiach) خواهد بود.

زندگی ابدی برای شر با مقصود ه' در تضاد است؛ مقصود این است که شر و مرگ از میان برداشته شوند: «او مرگ را برای همیشه فرو خواهد بلعید» و «همهٔ شرارت همچون دود نابود خواهد شد» (عبارتی از دعاهاى روزهای مقدس بزرگ)، در روزگار **مשיח** (Moshiach).

כי בכל משך הגלות הוא עת הבירורים והפרדת הרע והיינו ע"י בחי' חכמה דבחכמה אתברירו^{25, 26}
להפריד הרע מהטוב

זیرا سراسر دوران تبعید، زمان پالایشها و جداکردن شر است؛ و این به واسطه مرتبه حکمت (Chochmah, **חכמה**) صورت می گیرد، زیرا «به واسطه حکمت پالایش می شوند»، تا شر از نیکی جدا شود.

تا آن زمان، دوران تبعید وقت «پالایشها» (بیرורים, beirurim) است: نیکی را از آمیزه بیرون کشیدن و از شر جدا کردن. این کار به واسطه **حکמה** انجام می شود، چنان که زوهر (זהר, the Zohar) می گوید: «به واسطه حکمت پالایش می شوند».

ולכן נק' החכמה דין. שלא כמו שדימו המקובלים הראשונים שהחכ' [שהחכמה] כולה חסד שהרי היא מקור חסד.

از این رو حکمت «داوری» (דין, din) نامیده می شود؛ نه آن گونه که کابالیست های نخستین می پنداشتند که حکمت سراسر مهر (חסد, Chesed) است، زیرا سرچشمه **חסد** است.

چون **حکמה** جدا می کند، «داوری» (דין, din) نامیده می شود؛ داوری تمایز می گذارد و حد تعیین می کند. کابالیست های پیشین گمان می کردند **حکמה** مهر محض است، زیرا **חסد** از آن سرچشمه می گیرد.

והחייט^{27, 28} המציא שיש בה ג"כ דין ושבתו האר"י [האלקי רבי יצחק] ז"ל [זכرونو לברכה / זכرونם לברכה]²⁹ שכך
מבואר בזוהר באדרא כחמרא דשקיט³⁰ ושכיך על דורדיי³¹ כו'.

چایات (חייט, Chayat) این نکته را مطرح کرد که در آن داوری نیز هست، و آریزال (האריז"ל, the Arizal) او را به سبب این نظر ستود؛ زیرا همین مطلب در زوهر، در ایدرا (آدرا, Idra)، چنین توضیح داده شده است: «چون شرابی که آرام و قرار گرفته بر ته نشین خود است» و غیره.

ربی יהודה چایات (רבי יהודה חייט, Rabbi Yehudah Chayat)، کابالیست دوران اخراج از اسپانیا و نویسنده شرح Minchas Yehudah بر Maareches HaElokus، تعلیم داد که **حکמה** داوری نیز دربردارد؛ و آریزال این نظر را ستود، زیرا ایدرای زوهر از **حکמה** پنهان چنین سخن می گوید: «چون شرابی که بر ته نشین خود قرار گرفته است»؛ شراب زلال بر رسوب خود می آرمند.

כי מאחר שיש בירורים להפריד הרע וזהו ע"י גבורות וע"ז נאמר (תהלים צד) אשרי הגבר³² אשר תיסרנו יה שגם היסורים שהם לתועלת העברת הרע הוא מבחי' י"ה וכידוע שהיסורים הם לתועלת הפרדת הרע.

زیرا چون پالایش‌هایی برای جداکردن شر لازم است، و این کار به واسطه نیروهای شدت (גבורות، gevuros) انجام می‌شود، درباره این امر گفته شده است (مزامیر ۹۴): «خوشا به حال مردی که تو، ای יה، او را تأدیب می‌کنی؛» یعنی رنج‌ها نیز که برای برطرف کردن شر سودمندند، از مرتبه יה هستند؛ و چنان‌که دانسته است، رنج‌ها برای جداکردن شر سودمندند.

جداکردن شر به واسطه گבורות (نیروهای شدت) انجام می‌شود. آیه «خوشا به حال مردی که تو، ای יה، او را تأدیب می‌کنی» نشان می‌دهد که حتی رنج نیز، که به برطرف کردن شر یاری می‌رساند، از نام יה است (حروف یود-هه آن متناظر با حکמה و בינה هستند).

כי הקליפות נמשלים לעלוקה שכשמוצצת דם אזי מיד מתה וז"ש [وזהו שכתוב] (משלי ל) לעלוקה שתי בנות³³.

زیرا **کلیפות** (پوسته‌ها، kelipos) به زالو تشبیه شده‌اند: زالو چون خون را بمکد، بی‌درنگ می‌میرد؛ و این است معنای آنچه گفته شده است (امثال ۳۰): «زالو دو دختر دارد».

کلیפות، یعنی نیروهای پوشاننده، مانند زالو هستند: همین که خون را به اندازه کافی بمکند، می‌میرند. به همین ترتیب، هنگامی که **کلیפה** سهم خود را دریافت می‌کند، از این‌رو جدا می‌شود و فرو می‌افتد.

וזהו ג"כ ענין שעיר המשתלח. וכן וישלח יעקב³⁵ וגו' מנחה לעשו אחיו³⁶ עזים מאתים³⁷ כו' שבזה שנותן לו חלקו הוא מפרידו.

و این نیز معنای بز رهاشده است. همچنین «و یعقوب فرستاد» و غیره: «هدیه‌ای برای عیسو، برادرش: دویست بز ماده» و غیره؛ زیرا با دادن سهمش به او، وی را جدا می‌کند.

این همان ایده بز «رهاشده» (**سعیر המשתלח**، se'ir hamishtale'ach) به سوی عزازل در یوم کیپور (لاویان ۱۶) است؛ و نیز ایده «یعقوب فرستاد» (**ویשלח**، vayishlach) که برای عیسو هدیه‌ای از بزها فرستاد: دادن سهم شر به آن، آن را از قدوسیت جدا می‌کند.

וכך צ"ל לאחר שכבר טעם האדם מעה"ז [מעץ הדעת] ונתערב ברע אזי צריך לבירורי' [لبירורים] עד שיפרידו ע"י שיקחו כל נצוצי קדושה שבו כו'.

به همین ترتیب، پس از آن‌که انسان از درخت شناخت چشیده و با شر درآمیخته است، باید پالایش‌هایی صورت گیرد تا شر جدا شود، از راه بیرون کشیدن همه جرقه‌های قدوسیته که در آن است و غیره.

همچنین، هنگامی که انسان با شر درآمیخته است، فرایند پالایش لازم است تا شر از او جدا شود؛ این کار با بیرون کشیدن همه جرقه‌های قدوسیت از آن صورت می‌گیرد.

וכ"ז [וכל זה] הוא ע"י החכ' [החכמה] שבחכ' [שבחכמה] אתברירו. לפי שיש בה גם בחי' גבורות להיות תיסרנו יה וכמ"ש (דברים ח) כאשר ייסר איש³⁸ את בנו³⁹ כו'.

و همه اینها به واسطه حکمت (Chochmah, חכמה) است؛ زیرا «به واسطه حکמה پالایش می شوند»، چراکه در آن، مرتبه ای از جنبه های قید و سخت گیری (Gevuros, גבורות) نیز وجود دارد، تا عبارت «تو، ای יה، تأدیب می کنی» درباره آن صدق کند؛ و چنان که نوشته شده است (تثنیه ۸): «همان گونه که مردی پسرش را تأدیب می کند»، و غیره.

این پالایش به واسطه حکמה انجام می شود که **גבורות** را در خود دارد؛ از این رو «تو، ای יה، تأدیب می کنی» و نیز «همان گونه که مردی پسرش را تأدیب می کند»؛ یعنی تأدیبی که از عشق سرچشمه می گیرد و هدفش پالایش است.

משא"כ בחינת כתר שלמעלה מחכמה הוא רחמים פשוטים וכחשיכה כאורה⁴⁰ ולכן פן ישלח ידו ולקח גם מעה"ח [מעץ החיים] ואז וחי לעולם מאחר דאם צדקת מה תתן לו⁴¹ כו'

اما مرتبه تاج (Kesor, כתר)، که فراتر از **חכמה** است، چنین نیست: آن رحمت محض است و «تاریکی همچون روشنایی است». از این رو [او گفت]: «مبادا دستش را دراز کند و از درخت حیات نیز بگیرد» و آن گاه «تا ابد زنده بماند»؛ زیرا «اگر پارسا باشی، چه چیزی به او می دهی؟» و غیره.

כתר، که بالاتر از **חכמה** است، رحمتی محض است که هیچ تمایزی قائل نمی شود؛ برای آن، «تاریکی همچون روشنایی است». درخت حیات از آنجا سرچشمه می گیرد؛ بنابراین، فارغ از کردارهای انسان، زندگی جاودان می بخشد.

ולפי שהוא מבחי' פנימית וא"כ הרע קשור ואדוק בו ויהי' [ויהיה] גם לו קיום ולא זו היא הכוונה כנ"ל.
و از آنجا که او به مرتبه درونی تعلق دارد، شر به او پیوند خورده و سخت به او چسبیده است؛ در نتیجه، آن نیز وجود می یافت – و این مقصود نیست، چنان که پیش تر توضیح داده شد.

چون شر در درون انسان پیوند خورده است، آن نیز دوام و بقا می یافت؛ و این خلاف مقصود **ה'** است.

بیرون راندن و کارِ پالایش

10 וכמ"ש בזוהר גבי רבי אחא⁴² מכפר טרשא⁴³ שכפר בקטורת על מקום שהיה הנגף שם ואמרו לו שלא

הועיל כי עדיין בחיובא אשתכח. בשלמא אם היו עושין תשובה כו'.

چنان‌که در זוهر (زوهار) دربارهٔ ربی آحا (رבי אחא) از کَفَر ترشا (کفر ترשא) آمده است؛ او با بخور برای مکانی که طاعون در آنجا بود کفاره کرد، و به او گفتند که این کار سودی نداشت، زیرا «هنوز مقصّر شناخته می‌شوند»؛ «چه خوب بود اگر بازگشت (تשובه، teshuvah) کرده بودند»، و غیره.

زوهار حکایت می‌کند که ربی آحا هنگام شیوع طاعون به کَفَر ترشا آمد و از مردم شهر خواست بخشِ تورا دربارهٔ بخور را بخوانند؛ طاعون متوقف شد، اما در رؤیا به او گفته شد که آنان هنوز مقصّرند و «چه خوب بود اگر بازگشت (تשובه) کرده بودند»؛ او باید به آنان بگوید بازگردند.

ולכן מיד וישלחו מג"ע [מגן עדן]⁴⁴ לעבד את האדמה אשר לקח משם.⁴⁵

ازاین‌رو، بی‌درنگ: «او را از باغ عدن بیرون فرستاد تا زمینی را که از آن گرفته شده بود، کار کند».

بازداشتن ویرانگر کافی نیست؛ خود شر باید از میان برداشته شود. به همین ترتیب، نمی‌شد انسان را با شَرّی که در او بود صرفاً جاودانه ساخت؛ ازاین‌رو ه' بی‌درنگ او را از عدن بیرون فرستاد تا «زمینی را که از آن گرفته شده بود، کار کند».

דהיינו עבודת הבירורים ע"י זריעה חרישה וקצירה ואח"כ באכלו ממנו ואו' [ואומר] אחד ואהבת הוא מברר ומעל' [ומעלה] כו'.

یعنی کارِ پالایش از راه کاشتن، شخم‌زدن و درو کردن؛ و پس از آن، هنگامی که از آن می‌خورد و می‌گوید «یکی» و «دوست بدار»، [آن را] پالایش و تعالی می‌بخشد، و غیره.

«کار کردن زمین» همان کارِ پالایش است: انسان با شخم‌زدن، کاشتن و درو کردن غذا به دست می‌آورد؛ و هنگامی که از آن می‌خورد و سپس به بندگی ه' می‌پردازد و شِماع (שמע, Shema) را می‌گوید - «یکی»، «دوست بدار» - جرقه‌های نهفته در آن غذا را پالایش و تعالی می‌بخشد.

11 ואז צריך לילך ממש על האדמה אשר לקח משם⁴⁶ ושמה יאכל ושמה יברר הבירורים.

و آن‌گاه باید عملاً بر زمینی گام نهاد که از آن گرفته شده بود؛ آنجا بخورد و همان‌جا پالایش‌ها را انجام دهد.

پس از گناه، انسان باید عملاً به زمین فرود آید؛ به همان جایگاه آمیختگی، آنجا بخورد و همان‌جا پالایش کند.

אך צ"ל איך היה מתחלה כוונתו ית' כשלא ידע האדם מטו"ר [מטוב ורע] כלל מאחר שיש מציאת הרע בעולם א"כ איך יתבררו הבירורים שזה צ"ל ע"י האדם.

اما باید فهمید: مقصود نخستین ه' چه بود، هنگامی که انسان اصلاً از خیر و شر آگاهی نداشت؟ از آنجا که شر در جهان وجود دارد، پس پالایش‌ها چگونه انجام می‌گرفتند، حال آنکه این کار باید به‌دست انسان صورت می‌گرفت؟
پرسش این است: شر پیش از گناه نیز در جهان وجود داشت. اگر قرار نبود آدم از شر آگاه شود، پس شراره‌هایی که در آن گرفتار بودند چگونه باید پالایش می‌شدند، با آنکه این وظیفه انسان است؟

אך הענין כי אז היה באופן אחר ממש שלא בדרך מלחמה אלא ע"ד מ"ש ויניחהו בג"ע [בגן עדן] לעבדה זה ⁴⁷ רמ"ח מ"ע [מצות עשה] להמשיך אור א"ס בג"ע [בגן עדן]

اما مطلب این است که آن زمان شیوه کاملاً دیگری داشت: نه از راه جنگ، بلکه به‌سان آنچه نوشته شده است: «و او را در باغ عدن نهاد تا در آن کار کند»؛ اینها همان ۲۴۸ فرمانی ایجابی‌اند، تا نور بی‌پایان (اور אין سوف, Or Ein Sof) را به باغ عدن فرود آورد.

پیش از گناه، پالایش باید به شیوه‌ای کاملاً متفاوت و بدون جنگ انجام می‌شد. آدم در عدن نهاده شد «تا در آن کار کند»؛ زوهار (זהר) این را ۲۴۸ فرمانی ایجابی تفسیر می‌کند و ترگوم یوناتان (תרגום יונתן) آن را به معنای اشتغال به تورات می‌داند؛ از راه آنها آدم نور بی‌پایان را به عدن فرود می‌آورد.

וע"י רבוי התגלות האור ממילא יתעלו נצוצי ⁴⁸ קדו' [קדושה] שנפלו ונתערבו ברע ויהיו נכללים בתוך האורות עליונים שימשיך האדם כנר בפני האבוקה

و بر اثر فراوانی آشکارشدن نور، شراره‌های قدسی‌ای که فروافتاده و با شر آمیخته بودند، خودبه‌خود بالا می‌آمدند و در نورهای برینی که انسان فرود می‌آورد جذب می‌شدند، همچون شمعی در برابر مشعلی.
فراوانی همان نور آشکارشده، شراره‌های فروافتاده را خودبه‌خود به بالا می‌کشاند و در نور جذب می‌کرد؛ چنان‌که شمع در شعله مشعل فرو می‌رود.

שאם האבוקה קטנה אזי נר הסמוך לה יוכלל ⁴⁹ בה ואם ירחיקוהו מעט לא יתכלל בה מפני שהאבוקה קטנה. אבל אם תהיה ⁵⁰ האבוקה גדולה אזי אע"פ [אף על פי] שיהיה הנר רחוק יהיה מתכלל בה.

زیرا اگر مشعل کوچک باشد، شمعی که به آن نزدیک است در آن جذب می‌شود؛ اما اگر آن را اندکی دور کنند، به‌سبب کوچک بودن مشعل در آن جذب نمی‌شود. ولی اگر مشعل بزرگ باشد، شمع حتی اگر دور هم باشد در آن جذب می‌شود.
اگر مشعل کوچک باشد، تنها شمعی که نزدیک آن است در آن جذب می‌شود؛ اما مشعل بزرگ حتی شمع دور را نیز جذب می‌کند. بنابراین، نور عظیمی که آدم فرود می‌آورد می‌توانست حتی شراره‌های دوردست را جذب کند، بی‌آنکه او هرگز ناچار شود با شر روبه‌رو شود.

پالایش با نور و با جنگ

12 וע"ד שהיה בזמן שבהמ"ק [שבית המקדש] היה קיים שהרי ארז"ל [אמרו רבותינו זכרונם לברכה] לא גלו ישראל⁵¹

אלא כדי שיתוספו עליהם גרים דהיינו להעלות נצוצות ומה היה נעשה אם לא חטאו ולא היו גולים.

این مانند آن چیزی است که در زمان پابرجا بودن معبد مقدس رخ می‌داد. زیرا حکیمان ما، که یادشان مبارک باد، گفته‌اند: «اسرائیل فقط برای آن به تبعید رفت که نوکیشانی به آنان افزوده شوند؛ یعنی تا جرقه‌ها را بالا ببرند. پس اگر گناه نکرده و به تبعید نرفته بودند، چه می‌شد؟

نمونه‌ای از تاریخ یهود. تلمود می‌گوید اسرائیل به تبعید رفت تا نوکیشانی به آنان بپیوندند؛ حَسیدوت این گفته را چنین می‌فهمد که جرقه‌های قدوسیتهی که در میان ملت‌ها پراکنده‌اند، بالا برده شوند. پس اگر اسرائیل هرگز گناه نمی‌کرد و به تبعید نمی‌رفت، آن جرقه‌ها چگونه بالا برده می‌شدند؟

אלא ע"כ שאז היו נכללים הנצוצות⁵² ממילא כנר בפני האבוקה כמו נעמה העמונית⁵³ וכן כל העמים באו לשמוע חכמת שלמה וכמ"ש במלכת שבא⁵⁴ כו'.

ناگزیر باید گفت که در آن زمان جرقه‌ها خودبه‌خود در آن جذب می‌شدند، همچون شمع‌ی در برابر مشعل؛ مانند ناعمه (نעמה) عمونی؛ و نیز همه ملت‌ها برای شنیدن حکمت سلیمان (שלמה) می‌آمدند، چنان‌که درباره ملکه سبا و جز آن نوشته شده است.

پاسخ این است: در زمان معبد، جرقه‌ها خودبه‌خود جذب می‌شدند، همچون شمع‌ی که در برابر مشعل محو می‌شود. ناعمه عمونی – همسر سلیمان، که تلمود او را «کبوتر نیکو» پی از عمون می‌شمارد – به اسرائیل پیوست؛ و همه ملت‌ها، از جمله ملکه سبا، برای شنیدن حکمت سلیمان آمدند.

והיינו לפי שאז היה אבוקה גדולה עד"מ ע"כ ממילא מתכללים בה הנצוצות ואם היה נמשך בהמ"ק [בית המקדש] כן יותר היו כולם מתבררים עד"ז

یعنی چون در آن زمان، به اصطلاح، مشعلی بزرگ وجود داشت، جرقه‌ها خودبه‌خود در آن جذب می‌شدند؛ و اگر معبد مقدس مدت بیشتری به همان حال ادامه می‌یافت، همه جرقه‌ها به این شیوه پالوده می‌شدند،

معبد، تجلی آشکار الوهیت و چون مشعلی بزرگ بود؛ از این رو جرقه‌ها خودبه‌خود در آن جذب می‌شدند. اگر آن وضع ادامه می‌یافت، همه جرقه‌ها به همین شیوه پالوده می‌شدند، بی‌آنکه تبعیدی در کار باشد.

وְכַמִּי שֶׁלֵּעִיל [לַעֲתִיד לְבוֹא] (צִפְנִיָּה ג') אִזְ אֶהְפֹּךְ אֶל עַמִּים שְׁפָה בְּרוּרָה⁵⁵ כִּי. וְהִלְכּוּ גוֹיִם לְאוֹרֶךְ⁵⁶ כִּי.

چنانکه دربارهٔ زمانی آینده نوشته شده است (صفینا ۳): «زیرا آن‌گاه زبانی پاکیزه (برורה, berurah) به قوم‌ها بازخواهد گرداند»، و جز آن؛ و «ملت‌ها در پرتو نور تو گام خواهند برداشت»، و جز آن.

این همان چیزی است که در زمانی آینده رخ خواهد داد، چنان‌که پیامبران پیشگویی می‌کنند: **ה'** زبان ملت‌ها را به «زبانی پاکیزه» بدل خواهد کرد؛ واژه «پاکیزه» از همان ریشهٔ **בִּירוּרִים** (birurim؛ پالایش‌ها) است. ملت‌ها نیز در پرتو نور اسرائیل گام خواهند داشت و خود نور آشکار آنان را به سوی خویش خواهد کشاند.

וְכֵךְ הִיָּה עֲנִיֵּן הָאָדָם כְּשֶׁלֹּא הִיָּה חוּטָא שֶׁהִיָּה כּוֹלּוֹ קָדוֹשׁ כִּי גַם גּוֹפּוֹ נִלְקַח מִמְּקוֹם הַמְּזֻבָּח^{57, 58} וּמִמֶּנּוּ נַעֲשֶׂה⁵⁹ רִמִּיָּה אֲבִירָיו בְּלוֹל בְּשֶׁמֶן כִּי.

وضعٔ انسان نیز هنگامی که گناه نکرده بود چنین بود: سراپا قدوس بود، زیرا بدن او نیز از جایگاه قربانگاه گرفته شده بود و ۲۴۸ اندام او از آن ساخته شده بود، «آمیخته با روغن»، و جز آن.

آدم نخستین (**آدم הראשון**) پیش از گناه نیز چنین بود: سراپا قدوس. میدراش می‌گوید بدن او از جایگاه قربانگاه گرفته شده بود و ۲۴۸ اندام او «آمیخته با روغن» ساخته شده بودند، مانند هدیۀ آردی؛ یعنی خود بدنش مقدس بود. (یادداشتِ کهوت سنت‌های دیگری را نیز مقایسه می‌کند: برگرفته از بابل، سنهدرین 38b؛ و از چهار گوشۀ جهان، زohar (1:130b).

וְהִיָּה עוֹמֵד בְּגִ'עַ [בְּגֵן עֵדֶן] וְשֵׁם הִיָּה מוֹסִיף אוֹרוֹת וּמִמִּילָא הִיוּ הַקְּלִיפּוֹת כְּלִים עִ"י שֶׁהִיוּ הַנְּצוּצִי קָדוֹשָׁה כְּלִים מֵהֶם אֲבֵל הַדָּבָר הִיָּה⁶⁰ שֶׁלֹּא עִ"י מִלַּחְמָה כִּי.

او در باغ عدن می‌ایستاد و در آنجا نورها را می‌افزود؛ و پوسته‌ها (קליפות, kelipos) خودبه‌خود از میان می‌رفتند، زیرا جرقه‌های قدوسیت از درون آن‌ها بیرون کشیده می‌شدند؛ اما این امر از راه جنگ نبود، و جز آن.

او در عدن نور می‌افزود و پوسته‌ها با بیرون کشیده‌شدنِ جرقه‌های قدوسیتی که مایۀ بقای آن‌ها بودند، محو می‌شدند؛ بی‌آنکه نبردی درگیرد.

מִשָּׂא"כ אַחֵר שֶׁחֲטָא אִזִּי צִ"ל הַבִּירוּרִים עִ"י עֲבוּדָה וּמִלַּחְמָה שְׁעַת צְלוּתָא שְׁעַת קִרְבָּא כִּנ"ל וְצָרִיךְ לִירֹד אֶל מְקוֹם הַקְּלִיפּוֹת וְשֵׁם יִבְרָרֵם וְזֶהוּ אֶת הָאֲדָמָה אֲשֶׁר לָקַח מִשָּׁם.⁶¹

اما پس از آنکه گناه کرد، دیگر چنین نبود: آن‌گاه پالایش‌ها باید از راه کوشش و نبرد انجام می‌شدند – «زمان دعا، زمان نبرد است» – چنان‌که پیش‌تر توضیح داده شد؛ و او باید به جایگاه پوسته‌ها فرود می‌آمد و آن‌ها را همان‌جا پالوده می‌کرد. و این است: «زمینی که از آن گرفته شده بود».

پس از گناه، پالایش به کوشش و نبرد نیاز دارد. عبارت زohar، «زمان دعا، زمان نبرد است»، دعا را عرصۀ این کشاکش وصف می‌کند. انسان باید به جایگاه پوسته‌ها فرود آید – «زمینی که از آن گرفته شده بود» – و آن‌ها را همان‌جا پالوده کند.

مار از کجا می‌دانست

13 **وَبِזֶה יוֹבֵן גַּם מֶה שֶׁהִנַּחַשׁ יָדַע מִזֶּה. כִּי הִנֵּה אִדְהָ"ר [אדם הראשון] עֲצָמוּ שֶׁהִיָּה כּוֹלּוֹ קָדוֹשׁ לַמַּעֲלָה מַעַה"ד**

[מעץ הדעת] טו"ר [טוב ورע] **לֹא יָדַע מִמְצִיאת הָרַע כֻּלָּל כִּנ"ל.**

با این بیان، همچنین روشن می‌شود که مار چگونه از این مطلب آگاه بود. زیرا آدم نخستین (آدم הראשון) خود، که سراسر مقدس و فراتر از درخت شناخت نیک و بد بود، چنان‌که پیش‌تر توضیح داده شد، اصلاً از وجود شر آگاهی نداشت.

اکنون به پرسش اصلی پاسخ داده می‌شود: مار از کجا می‌دانست که خوردن از درخت چه پیامدی خواهد داشت؟ آدم، که سراسر مقدس و فراتر از درخت شناخت بود، هیچ اطلاعی از وجود شر نداشت.

אֲבֵל הִנַּחַשׁ שֶׁהוּא עֲצָמוּ נִלְקַח מִבְּחִי' עַה"ד [עץ הדעת] טו"ר [טוב ورע] וידע מזה וידע שמה שצוה⁶² לאדם

שלא יאכל⁶³ ממנו היה בכדי שלא יהיה לו ידיעה⁶⁴ ברע כלל שלא יצטרך לכנוס עמו במלחמה כלל.

اما مار، که خود از مرتبه (בחینه، bechinah) درخت شناخت نیک و بد گرفته شده بود، از این مطلب آگاه بود؛ و می‌دانست که فرمان [ה'] به آدم که از آن نخورد، برای این بود که او اصلاً از شر آگاهی نیابد و در نتیجه، هیچ نیازی نداشته باشد که با آن وارد جنگ شود.

اما مار خود از درخت شناخت برخاسته بود، از عرصه‌ای که در آن نیک و بد با هم آمیخته‌اند؛ از این‌رو چیزی را می‌دانست که آدم نمی‌دانست: نهی از خوردن برای آن بود که آدم هیچ آگاهی‌ای از شر پیدا نکند و بدین‌سان از جنگ با آن بی‌نیاز بماند.

וַחֲרָה לּוֹ מֵאֵד עַל שִׁכ"כ [שכל כך] נִשְׁמָרִים מִמֶּנּוּ אֵף שֶׁלֹּא לִידַע מִמֶּנּוּ שֶׁלֹּא יִכְשַׁל בּוֹ וְהִשִּׁיֵּא עֲצוֹת בִּנְפִשׁוֹ

שמוטב לו שיכנס האדם בזה ויהיה מלחמה ואז פעמים שיגבור גם הוא וכמ"ש (קהלת ח) עת אשר שלט

האדם באדם⁶⁵ כו' משלא ידע האדם מזה כלל

و مار از اینکه آنان تا این اندازه از آن پرهیز می‌کردند، حتی از اینکه از آن آگاه شوند، تا مبدا در آن بلغزند، بسیار برآشفته؛ و در دل خود چنین اندیشید که برای او بهتر است انسان وارد این عرصه شود و جنگی درگیرد، زیرا آن‌گاه گاه او نیز پیروز خواهد شد، چنان‌که نوشته شده است (קהלת 8): «زمانی که انسان بر انسان فرمان می‌راند»، و غیره؛ بهتر از آن است که انسان اصلاً از این مطلب آگاه نباشد.

مار از اینکه او را به‌کلی نادیده می‌گرفتند و از او دوری می‌کردند، ناخشنود بود. با خود اندیشید که اگر انسان وارد این آمیختگی شود و جنگی درگیرد، برای او بهتر است؛ زیرا آن‌گاه پیروز خواهد شد، چنان‌که در عبارت «زمانی که انسان بر انسان فرمان می‌راند» آمده است (קהלת 8:9)؛ یعنی زمان‌هایی که شر درون انسان چیره می‌شود، بهتر از آن است که انسان هرگز از وجود شر آگاه نشود.

ואז יהיה הטוב המעורב בו נכלל באדה"ר [באדם הראשון] כנר בפני האבוקה והוא ימות ויפסד לגמרי ובא בערמומית לחוה

زیرا آن‌گاه نیکی آمیخته در آن، همچون شمعی در برابر مشعلی، در آدم جذب می‌شد و مار می‌مرد و یکسره نابود می‌شد. پس با حيله به سراغ حوا (חוה) آمد،

زیرا اگر انسان هرگز از شر آگاه نمی‌شد، نور عظیم او نیکی آمیخته در مار را جذب می‌کرد، «همچون شمعی در برابر مشعلی»، و مار، که دیگر هیچ نیروی حیاتی‌ای برایش باقی نمی‌ماند، یکسره نابود می‌شد. از این رو با حيله به سراغ حوا رفت.

וכמ"ש (בפר"א [בפרקי דרבי אליעזר] פי"ג) בא ס"מ [סמאל] ורכב⁶⁶ על הנחש כו'. ואמר⁶⁷ כי ידע אלקים כי ביום אכלכם ממנו⁶⁸ וגו' והייתם כאלקים ידעי טו"ר [טוב ورע].

چنان‌که آمده است (در Pirkei deRabbi Eliezer (פרקי דרבי אליעזר), فصل 13): «סמאל (סמאל, Samael) آمد و بر مار سوار شد»، و غیره. و گفت: «زیرا اَلקים (אלקים, Elokim) می‌داند که در روزی که از آن بخورید»، و غیره، «مانند اَلקים خواهید شد و نیک و بد را خواهید شناخت».

میدرأش می‌گوید سَمَائِل، فرشته شر، بر مار سوار شد و آن را وسیله خود قرار داد. مار به حوا گفت که خوردن از درخت آنان را «مانند اَلקים خواهد کرد و نیک و بد را خواهند شناخت».

וכן הוא עפ"י [על פי] האמת ולא אמר שקר כנ"ל רק שבערמה דבר זה כי הוא אמר והייתם כאלקים למעליותא. אבל באמת זהו חסרון.

و این سخن مطابق حقیقت بود و مار دروغ نگفت، چنان‌که پیش‌تر توضیح داده شد؛ تنها آن را با حيله بیان کرد، زیرا «مانند اَلקים خواهید شد» را به‌عنوان امتیاز و برتری عرضه کرد، حال آنکه در حقیقت این یک کاستی است.

این سخن حقیقت داشت و مار دروغ نگفت. حيله‌اش این بود که چیزی را که در واقع نقص بود، به‌صورت امتیازی عرضه کرد.

אף שיהי' [שיהיה] יודע טו"ר [טוב ورע] כאלקים הנה למעלה אין זה פוגם כלל אף שידע טו"ר [טוב ورע] מ"מ הרע נבדל לפי שלמעלה הוא בחי' מקיף משא"כ אם האדם שהוא מבחי' פנימי⁶⁹ יהי' [יהיה] יודע מטו"ר [מטוב ورע] לו יהי' [יהיה] הדבר מזיק כנ"ל:⁷⁰

هرچند او نیک و بد را مانند اَلקים می‌شناخت، در بالا این هیچ نقصی نیست؛ زیرا با آنکه نیک و بد شناخته می‌شوند، شر همچنان جداست، چون مرتبه بالا از سطح احاطه است. اما اگر انسان، که از مرتبه درونی است، از نیک و بد آگاه شود، این امر برای او زیان‌بار خواهد بود، چنان‌که پیش‌تر توضیح داده شد:

آگاهی از نیک و بد در بالا زیان‌بار نیست، زیرا آنجا آگاهی از سطح احاطه است و شر جدا می‌ماند. اما برای انسان، که آگاهی‌اش از مرتبه درونی است، این آگاهی به آمیختگی با شر می‌انجامد، چنان‌که پیش‌تر توضیح داده شد.

ضمیمه: آدم در تالارها؛ نزول یهودا

14 בלק"ת [בלקותי תורה (להאריז"ל)] **מהאר"י** [מהאלקי רבי יצחק] **ז"ל** [זכרונו לברכה / זכرونם לברכה] **נת'** [נתבאר] **הענין**

שאדה"ר [שאדם הראשון] **היה הולך בהיכלות**⁷¹ **כי בחי' אדם היה למעלה גם מרשב"י** [מרבי שמעון בר יוחאי]⁷² **כי היה בערך אחר ממש שהרי היה יציר כפיו של הקב"ה.**

در لیکوتی توراه (לקوتی تורה) آریزال (האריז"ל)، این موضوع توضیح داده شده است که آدم نخستین (آدم הראשון) در تالارها رفت و آمد می‌کرد؛ زیرا مرتباً آدم حتی از ربی شمعون بار یوحای (رבי שמעון בר یוחאי) نیز بالاتر بود، چرا که او به کلی از سنخی دیگر بود؛ زیرا دست‌ساختهٔ ه' بود.

لیکوتی توراه آریزال (آموزه‌های او دربارهٔ توراه، به روایت شاگردش رבי حاییم ویتال (رבי حיים ویטال)؛ نه کتابی به همین نام از آلتز ربی (ادم"ר הזקן)) توضیح می‌دهد که آدم پیش از گناه در تالارهای آسمانی (היכלות, heichalos) رفت و آمد می‌کرد. آدم، که دست‌ساختهٔ خودِ ه' بود، به کلی از سنخی دیگر بود و حتی فراتر از ربی شمعون بار یوحای، نویسندهٔ זוهر (זהר)، قرار داشت. تسماح تسدک (הצמח צדק) نقل می‌کند که این سخنان را از آلتز ربی شنیده است.

ובהיכלות הטומאה לא רצה להביט כלל והשיאו הנחש שעכ"פ [שעל כל פנים] **יביט מה יש בהם**⁷³ **ועי"ז נכשל ونפל בתאוה אליהן.**

او اصلاً نمی‌خواست به تالارهای ناپاکی نگاه کند؛ اما مار او را فریفت تا دست‌کم بنگرد که در آن‌ها چیست، و از این راه لغزید و به آن‌ها میل پیدا کرد.

او از نگاه‌کردن به تالارهای ناپاکی پرهیز می‌کرد، اما مار او را قانع کرد که دست‌کم به آنچه در آنجا بود نگاه کند. همین نگاه‌کردن صرف، او را به لغزش انداخت و به آن‌ها متمایل ساخت.

וכן שמעתי מהקי' [מהקדוש] ר' [רבי]⁷⁴ אברהם בן הה"מ [הרב המגיד] **ז"ל** [זכرونם لברכה / זכرونם לברכה] **ע"פ ויט** **یهודה עד אیش עדولמי**⁷⁵ **ושמו חירה**⁷⁶ **שמחמת מעשה دیוסף אזי ויט.**

همچنین از ربی مقدس ابراهیم (آברהם)، پسرِ مگیِدِ مزریچ (המגיד ממזריטش)، که یادش گرامی باد، دربارهٔ [این آیه] شنیدم: «و یهودا (یهודה) به سوی مردی عدولامی روی آورد که نامش حیره (חירה) بود»؛ یعنی به سبب ماجرای یوسف (یوسف)، او «روی آورد».

تعلیمی موازی از ربی ابراهیم، «فرشته»، پسرِ مگیِدِ مزریچ: یهودا پس از ماجرای یوسف «روی آورد» و به سوی مردِ عدولامی رفت.

פי' ויט היינו שנטה למטה בהיכלות הקליפות⁷⁷ עד איש עדולמי כדי להעלות נצוצות משם⁷⁸ וזהו ענין הכוונה דנפילת אפים כו':

توضیح آن است که «روی آورد» یعنی به پایین متمایل شد و به تالارهای پوسته‌ها (کلیפות, kelipos) فرود آمد، «به سوی مردی عدولامی»، تا از آنجا جرقه‌ها را بالا بیاورد؛ و این همان معنای مقصود افتادن بر چهره (نپیلت اפים, nefilas apayim) و جز آن است.

یهودا به قلمرو کلیפות فرود آمد تا جرقه‌ها را از آنجا بالا بیاورد. این همچنین معنای درونی «افتادن بر چهره» (نپیلت اפים, nefilas apayim) است؛ دعای تחנו (Tachanun) که در آن انسان فرود می‌آید تا جرقه‌ها را از پایین بالا بیاورد.

در کار بندگی

پس از گناه، انسان از درون با خیر و شر آمیخته است؛ پس زندگی‌اش کشمکش است که در آن گاه یک سو چیره می‌شود و گاه سوی دیگر. وظیفه او این است که «زمینی را که از آن گرفته شده» کار کند؛ با جهان مادی سروکار داشته باشد، در آن بخورد و کار کند، و با دعا – «زمان دعا، زمان جنگ است» – قرائت شماع (שמע, Shema) و فرمان‌ها (מצוות, mitzvos)، جرقه‌های قدسی نهفته در آن را پالایش و بالا ببرد. داستان آدم (آدم הראشון) نیز احتیاط را می‌آموزد: آدم با این‌که فقط موافقت کرد نگاهی به تالارهای ناپاکی بیندازد، سقوط کرد.

پرسش‌هایی برای گفت‌وگو

1. تفاوت شناخت محیط و شناخت درونی چیست، و چرا شناختن شر به انسان آسیب می‌رساند، اما به فرشتگان نه؟
2. چرا حیات ابدی از درخت حیات پس از گناه زیان‌بار می‌بود، و این چه ارتباطی با «رحمت محض» بودن Keser دارد؟
3. تصویر شمعی در برابر مشعل چگونه روش آغازین پالایش جهان را وصف می‌کند، و این روش چه تفاوتی با پالایش از راه «جنگ» دارد؟
4. چرا حکمت «داوری» خوانده می‌شود، و این چه چیزی درباره رنج و پالایش می‌گوید؟
5. مار از چه حیثی حقیقت گفت و زیرکی‌اش در کجا بود؟

یادداشت‌ها

بند 1

1 ویاמר . . הן האדם הי' כאחד ממנו

این یادداشت نخست خواننده را برای یافتن منابع و موازات این گفتار به یادداشت‌های منبع خود ریی (هربی) در مورد آن ارجاع می‌دهد که پیش‌تر در این مجلد چاپ شده‌اند.

یادداشت کھوت

ראה לעיל בציונים והערות לכ"ק אדמו"ר זי"ע. עם הגהות באוה"ת בראשית כרך ו תתרנז, א (מלקו"ת לג"פ כז, כב). נמצא בגוכתי"ק הצ"צ בבזך משנת תקע"א-ב, ומתחיל "הן האדם". ומאמר זה הוא משבת פ' בראשית תקע"ב. ראה לקמן בהערה לדף ו, א ד"ה "שאדה"ר". כמה שינויים נרשמו לקמן וכן ציונים אחדים בשולי הגליון. להתחלת המאמר ראה אוה"ת ואתחנן ע' קמג. בענין עה"ד טו"ר המבואר במאמר זה מצויין בלקו"ת שלח מג, א. קרח נב, ב.

2 ויאמר ה' אלקים הן האדם

پس از گناه، ה' אלקים می‌گوید که انسان «چون یکی از ما، دانای نیک و بد» شده است (به گفتهٔ گفتار حسیدی (ماامار, maamar)، این سخن خطاب به فرشتگان گفته شد) و باید از درخت حیات بازداشته شود. این همان آیه‌ای است که سراسر מאמר آن را تفسیر می‌کند.

Genesis 3:22 בראשית ג':כב

ויאמר ה' אלקים הן האדם הנה כאחד ממנו לדעת טוב ורע ועתה פרו ושלחו ידו ולקח גם מעץ החיים ואכל וחי לעולם:

And the L-RD G-d said: 'Behold, the man is become as one of us, to know good and evil; and now, lest he put forth his hand, and take also of the tree of life, and eat, and live for 'ever

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

یادداشت کھوت

בראשית ג', כב.

3 נפקחו עיניהם להיות כאלקים יודעי טו"ר

وعدهٔ مار به حوا (حوا) که با خوردن، چشمانشان گشوده می‌شود و «همچون ه'، دانای نیک و بد» خواهند شد؛ آلتز ربه (آدمو"ר הזקן) می‌پرسد این شناخت چیست.

Genesis 3:5 בראשית ג':ה

כי ידע אלקים כי ביום אכלכם ממנו ונפקחו עיניכם והייתם כאלקים ידעי טוב ורע:

for G-d doth know that in the day ye eat thereof, then your eyes shall be opened, and ye shall be as G-d, knowing good 'and evil

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

بند 2

سخنان مار خطاب به حوا (حوا): آلتز ربه (آدمو"ר הזקן) می‌پرسد از کجا می‌دانست که این سخن درست است.

Genesis 3:5 בראשית ג':ה

כי ידע אלקים כי ביום אכלכם ממנו ונפקחו עיניכם והייתם כאלקים ידעי טוב ורע:

بند 3

9 ולא יחליפנו ולא ימירנו

حکم ه' به موسی (مשה) این است که حیوانی که برای قربانی تقدیس شده، نباید با حیوانی دیگر مبادله یا جایگزین شود: «خوب را به‌جای بد، یا

for G-d doth know that in the day ye eat thereof, then your eyes shall be opened, and ye shall be as G-d, knowing good 'and evil

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

5 כי ביום אכלך ממנו מות תמות

فرمان نام چهارحرفی (ה', Havayah) و نام אלקים (אלקים, Elokim) به آدم، آن‌گونه که او شنید: هشدارى روشن دربارهٔ مرگ، بی‌آنکه اشاره‌ای به دانش شده باشد.

Genesis 2:17 בראשית ב':יז

ומעץ הדעת טוב ורע לא תאכל ממנו כי ביום אכלך ממנו מות תמות: but of the tree of the knowledge of good and evil, thou shalt not eat of it; for in the day that thou eatest thereof thou shalt 'surely die

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

6 אם לא שנאמר שגבוה הוא מהאדם וכ"ז פלאי

این ارجاع به گفتاری از ربه (هربی) اشاره دارد که به پرسشی مطرح‌شده در اینجا می‌پردازد: آیا ممکن بود مار از انسان برتر باشد؟ محتوای آن گفتار را نقل نمی‌کنیم.

یادداشت کھوت

ראה בלקו"ש ח"י ע' 16.

7 האדם היה כאחד ממנו לדעת טו"ר

عبارت «مانند یکی از ما» خطاب به فرشتگان خوانده می‌شود و نشان می‌دهد که شناخت نیک و بد در عوالم بالا نیز وجود دارد.

Genesis 3:22 בראשית ג':כב

ויאמר ה' אלקים הן האדם הנה כאחד ממנו לדעת טוב ורע ועתה פרו ושלחו ידו ולקח גם מעץ החיים ואכל וחי לעולם:

And the L-RD G-d said: 'Behold, the man is become as one of us, to know good and evil; and now, lest he put forth his hand, and take also of the tree of life, and eat, and live for 'ever

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

8 עה"ד טו"ר היינו בחי' תערוכות הטוב עם הרע

گفتارهای دیگری از آلتز ربه که در آنها درخت شناخت به‌تفصیل به‌عنوان آمیختگی نیک و بد بررسی می‌شود.

یادداشت کھوت

ראה מאמרי אדה"א דברים ח"ד ע' א'קעו ואילך. סה"מ תרמ"ח ע' קצח ואילך. ד"ה כי אתם עוברים תרנ"א ע' קצז. ובארוכה ד"ה ושבתה במאמרי אדה"א ויקרא ח"ב ע' תדש. ובסה"מ תרס"ב ע' ש ואילך. סה"מ עזר"ת ע' פט. ד"ה בלע המות תשכ"ה בתחלתו.

13 וכענין בחי' לבונה זכה

در آنجا آد مو"ר הזקן توضیح می‌دهد که نیروی حیاتی‌ای که به درون پوسته‌ها کشیده می‌شود، در آنها فروبلعیده می‌شود، حال آنکه کندر بخور نوری فراگیرنده بر آنهاست که از بالاتر از آگاهی آنها می‌آید؛ همچنین این نور، ده مرتبه قدسی سفیروت را به هم پیوند می‌دهد تا بر ده مرتبه ناپاک بتابند. این توضیح، تصویری را که در اینجا به کار رفته کامل‌تر می‌کند.

یادداشت كهوت

ראה לקמן כ, ג. אוה"ת שמות כרך ז ע' ב'תקסח. ובהמשך זאת חנוכת המזבח תר"מ פרק יז שאפשר שנק' זכה ע"ש ז"ך אותיות שהרי זהו האותיות הנמשכים להחיות הקליפות בבחי' מקיף, ע"ש. ראה לקו"ת תזריע כג, ד. המשך תער"ב פרק רי.

14 ציור האילן

یادداشت پیشنهاد می‌کند که «نمودار درخت»ی که در اینجا از آن یاد شده، ظاهراً همان نمودار قبلاایی است که در پایان این کتاب چاپ شده است.

یادداشت كهوت

הכוונה לכאורה לציור שבסוף ספר פעמון ורימון (אמ"ד תכ"ח). וראה הנסמן בסידור עם דא"ח ריב, א הערה 99. הערות וביאורים אהלי תורה גליון א'קל בסופו.

15 שו"ה אחוריהם — עה"ד טו"ר הוא בחי' פנימי

لیکوتی توراه این بند را نقل می‌کند و خلاصه‌اش چنین است: درخت شناخت نیکی و بدی، دעת در حالت درونی است؛ درحالی‌که دעת در حالت فراگیرنده، برعکس، پرورش نیروهای بیرونی را دفع می‌کند.

یادداشت كهوت

בלקו"ת בלק סט, ב מצייין לכאן: "שעה"ד טו"ר הוא הדעת שבבחי' פנימי משא"כ הדעת שבבחי' מקיף הוא אדרבה דוחה יניקת החיצונים".

بند 5

16 הן האדם היה כאחד ממנו

آیه‌ای که اکنون توضیح داده شد: انسان در شناخت نیک و بد «همچون یکی از ما» شد.

Genesis 3:22 בראשית ג':כ"ב

ויאמר ה' אלקים הן האדם היה כאחד ממנו לדעת טוב ורע ועתה פן ישלח ידו ולקח גם מעץ החיים ואכל וחי לעלם:

And the L-RD G-d said: 'Behold, the man is become as one of us, to know good and evil; and now, lest he put forth his hand, and take also of the tree of life, and eat, and live for 'ever

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

17 אבל האדם . . . אזי יתערב הוא גם הוא ממש

این یادداشت به بحثی موازی در شرح‌های تسماح تسدک (הצמח צדק, the Tzemach Tzedek) بر זהר (זהר) اشاره دارد: اینکه انسان، پس از آگاه شدن از بدی، با آن درمی‌آمیزد.

یادداشت كهوت

ראה ביאורה"ז לצ"צ כרך ב ע' תרמח.

بد را به‌جای خوب؛ آلتّر ربه (ادمو"ר הזקן) از این عبارت وام می‌گیرد تا بگوید که در بالا، شر هرگز با خیر اشتباه گرفته نمی‌شود.

Leviticus 27:10 ויקרא כ"ז:י'

לא יתליפנו ולא ימיר אתו טוב ברע או רע בטוב ואם המיר מיר בהמה בהמה והיה הוא ותמונתו יהיה קדש:

He shall not alter it, nor change it, a good for a bad, or a bad for a good; and if he shall at all change beast for beast, then both it and that for which it is changed shall be holy

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

10 שממית בידים תתפש

آغور (انور) موجودات کوچک و خردمند را برمی‌شمارد: «عنكبوت (با سوسمار) را می‌توان با دست گرفت، اما در کاخ‌های پادشاهان است.» آشکارا، آیه می‌ستاید که این موجود پست چگونه به کاخ راه می‌یابد؛ این مقاله (مامار, maamar) می‌افزاید که حتی آنجا نیز پادشاه می‌داند که آن عنكبوت است؛ تصویری از اینکه شر در بالا حضور دارد، اما همان‌گونه که هست شناخته می‌شود.

Proverbs 30:28 משלי ל':כ"ח

שמןמית בידים תתפש והיא בהיקלי מלך:

The spider thou canst take with the hands, Yet is she in kings'palaces

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

یادداشت كهوت

משלי ל, כח.

بند 4

11 המבדיל בין קודש לחול

برکت جداسازی (הבדלה, Havdalah) که تلمود دربارهٔ ترتیب جداسازی‌های آن بحث می‌کند؛ به‌عنوان نمونه‌ای از جدا نگه‌داشتن نیکی و بدی ذکر شده است.

Pesachim 104a:7-8 פסחים ק"ד א:ז:ח'

אמר רבי יהושע בן לוי: המבדיל צריך שיאמר מעין הבדלות האמורות בתורה. מיתבי: סדר הבדלות היא? אומר: "המבדיל בין קודש לחול, בין אור לחושך, בין ישראל לעמים, ובין יום השביעי לששת ימי המעשה, בין טמא לטהור, בין הים לחרבה, בין מים העליונים למים התחתונים, בין כהנים ללויים וישראלים". וחזתם ב"סדר בראשית".

ואתרים אומרים: ב"יוצר בראשית". רבי יוסי ברבי יהודה אומר: חזתם

"מקדש ישראל". ואם איתא, הא "בין ...

William Davidson, Vocalized Aramaic (CC-BY-NC)

12 לבונה זכה

ה' به موسی (משה) مواد تشکیل‌دهندهٔ بخور را می‌گوید که «کندر خالص» نیز در میان آن‌هاست؛ آلتّر ربه (ادمو"ר הזקן) آن را تصویری از نوری فراگیر به‌کار می‌گیرد.

Exodus 30:34 שמות ל':ל"ד

ויאמר ה' אלי-משה קח-לך סמים נטף ושחלת וסלכנה סמים ולבנה זכה בד בבד יהיה:

And the L-RD said unto Moses: "Take unto thee sweet spices, stacte, and onycha, and galbanum; sweet spices with pure frankincense; of each shall there be a like weight

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

18 ולאם מלאם יאמץ

ה' به رفقه (ربקה) دربارهٔ دوقلوهایی که در رحم او بودند می‌گوید: «یک قوم از قوم دیگر نیرومندتر خواهد بود»؛ این سخن بر کشاکش رفت‌وبرگشتی نیکی و بدی در درون انسان تطبیق داده شده است.

Genesis 25:23 براسیئت כ"ה:כ"ג

ויאמר ה' לה שני גוים בבטןך ושני לאמים ממעריך ופרדו ולאם מלאם יאמץ ורב יעבד צעיר:

And the L-RD said unto her: Two nations are in thy womb, And two peoples shall be separated from thy bowels; And the one people shall be stronger than the other people; And the elder shall serve the younger

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

بند 7

19 ולא יתבוששו

«آن دو، مرد و همسرش، هر دو برهنه بودند و شرم نداشتند»؛ پیش از گناه، نه احساس میل وجود داشت و نه شرم.

Genesis 2:25 براسیئت ב':כ"ה

ויהיו שניהם ערומים האדם ואשתו ולא יתבוששו:

And they were both naked, the man and his wife, and were not ashamed

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

20 ולא היו יודעים כלל שיש תאוה בזה

این یادداشت به پاورقی گفتاری از ر'به (הרבי) اشاره می‌کند که به این نکته می‌پردازد: پیش از گناه، آدم و حوا هیچ آگاهی‌ای از میل نداشتند. محتوای آن را نقل نمی‌کنیم.

یادداشت كهوت

ראה בלקוטי שיחות ח"י ע' 199 הערה 28.

بند 8

21 פן ישלח ידו ולקח גם

نگرانی نام چهارحرفی (ה', Havayah) و نام אלקים (אלקים، Elokim) پس از گناه، از این‌که مبدا انسان از درخت حیات نیز بخورد و تا ابد زنده بماند.

Genesis 3:22 براسیئت ג':כ"ב

ויאמר ה' אלקים הן האדם היה כאחד ממנו לדעת טוב ורע ועתה פן ישלח ידו ולקח גם מעץ החיים ואכל וחי לעלם:

And the L-RD G-d said: 'Behold, the man is become as one of us, to know good and evil; and now, lest he put forth his hand, and take also of the tree of life, and eat, and live for ever

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

22 ורבו פשעיו מה תעשה לו

آیه دیگری از אלו (אלהוא) که همراه این آیه است: گناهان بسیار انسان هیچ اثری بر ה' ندارند. در این مرتبه، حتی گناهکار نیز می‌تواند حیات جاودان دریافت کند.

Job 35:6 איוב ל"ה:ו

אם-תשאת מה-תפעל-בו ורבו פשעיו מה-תעשה-לו:

If thou hast sinned, what doest thou against Him? And if thy transgressions be multiplied, what doest thou unto Him

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

23 אלו (אלהוא) به ایوب (ایوب) می‌گوید که پارسیایی انسان چیزی به ه' نمی‌افزاید؛ این سخن در مورد مرتبهٔ درخت حیات به کار رفته است، مرتبه‌ای که کردارهای انسان بر آن اثری نمی‌گذارد.

Job 35:7 איוב ל"ה:ז

אם-תצדקת מה-תתן-לו או מה-מנדך יקח:

If thou be righteous, what givest thou Him? Or what receiveveth He of thy hand

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

بند 9

24 بلע המות לנצח

پیشگویی اشعیا (ישعیا) که ه' مرگ را برای همیشه فروخواهد بلعید؛ هدفی که اگر شز به حیات جاودانه دست می‌یافت، ناکام می‌ماند.

Isaiah 25:8 ישعیاו כ"ה:ח

בלע המות לנצח ומחה אד-ני ה' דמעה מעל כל-פנים וחרפת עמו כיסר מעל כל-הארץ כי ה' דבר:

He will swallow up death for ever; And the L-rd GOD will wipe away tears from off all faces; And the reproach of His people will He take away from off all the earth; For the L-RD hath spoken it

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

یادداشت كهوت

ישע' כה, ח.

25 דבחכמה אתברירו

Iggeres HaKodesh (אגרת הקודש), بخش 28, عبارت زوهر «به‌واسطهٔ حکمت پالایش می‌شوند» را نقل می‌کند و توضیح می‌دهد که عالم תיקון (Tikkun, اصلاح) به‌واسطهٔ חכמה پنهان Arich Anpin (אריך אנפין) پالایش و اصلاح می‌شود. این همان نیروی پالایندهٔ חכמה است که در اینجا به آن استناد شده است.

یادداشت كهوت

הובא באגה"ק סכ"ח בשם זוה"ק וראה ע"ח שי"ח פ"ה, של"ט ד"א. סהמ"צ להצ"צ מצות מחצית השקל, שם איסור אכילת בעל מום (הערות כ"ק אדמו"ר ז"ע בספר המאמרים תשי"א ע' 79, ובסה"מ תשי"ח ע' 206). וראה גם אוה"ת נ"ך כרך ב ע' התקפא.

26 דבחכמה אתברירו

عبارت זוה (זهر), «به‌واسطهٔ حکمت (חכמה, Chochmah) پالوده می‌شوند»، که در Iggeres HaKodesh (אגרת הקודש) 28 به نام זהר نقل شده است، چنان‌که یادداشت Kehot می‌گوید.

Tanya, Iggeres HaKodesh 28:5 תניא, אגרת הקדש כ"ח:ה

... "חכמה על-אה" ו"מוחא סתמאה" ד"אריך אנפין", ועלה איתמר בדוכתי טובא בזוהר הקדוש: "בחכמה אתברירו", ו"אתהפקא חשוכא לנהורא", דהיינו עולם התיקון, שנתברר ונתתקן על-ידי "מוחא סתמאה" ד"אריך אנפין", מעולם התהו ושכירת הכלים, שנפלו בכריאה-יצירה-עשייה וכי, פנוצע. ולזאת - מטהרת טומאת המת, אף שהוא אבי אבות וכי, ולמשה משה מנוגה:

Kehot Publication Society (CC-BY-NC)

27 והחייט

یادداشت مشخص می‌کند که «چایات» همان ربی יהודה چایات است؛ شرح او بر Maarechet HaElokut این تعلیم را دربردارد که חכמה داوری

است.

یادداشت كهوت

פי' לספר מערכת האלקות לר' יהודה ב"ר יעקב חייט מערכת אלקות פ"ד. מובא גם בלקו"ת פ' ראה לא, א. בענין חכמה נק' דין ראה ביאורו"ז להצ"צ כרך ב ע' תשיח ואילך. וראה לקמן קז, ג ובמ"מ לשם. ובתורת חיים בראשית לא, ד.

28 החיית

עץ חיים (עץ חיים; Shaar 13, فصل 5 on 13:6 in the Kehot note; Separia) می‌گوید که تاج (כתר, Keser) رحمت کامل است, اما **חכמה** داوری‌ها را در خود دارد که در آنجا مهار شده‌اند؛ «و این همان چیزی است که Chayat (حییت) در کتاب Minchas Yehudah (منחת יהודה) گفته است که **חכמה** داوری (דין, din) است؛ و به تصویر **זהר** از مغزی آرام‌گرفته اشاره می‌کند, «چون شراب نیکو بر دُرِد خود».

Sefer Etz Chaim 13:6 עץ חיים י"ג:ו'

29 ושבחו האר"י ז"ל

یادداشت Kehot به جایی ارجاع می‌دهد که این موضوع در آنجا بیشتر توضیح داده شده است: Etz Chaim.

یادداشت كهوت

ע"י ש"י"ג פ"ה.

30 בזוהר באדרא כחמרא דשקית

یادداشت Kehot برای این عبارت به Zohar III, 288a ارجاع می‌دهد.

Zohar III, 288a זח"ג רפה, א

یادداشت كهوت

זח"ג רפה, א.

31 כחמרא דשקית ושכר על דורדיי

ایدا ربا (آدرار ربا) می‌گوید که مغز نهان, حکمت (חכמה, Chochmah), «در جای خود آرام و مستقر است, همچون شراب خوب بر دُرِد خود». ایتز حایم (עץ חיים) به آن استناد می‌کند (با عنوان «זהר 128»); یادداشت Kehot به ایدرا زوتا (آدرار زوتا), 3:288a, ارجاع می‌دهد که حکمت نهان را «مغزی که آرام و قرارگرفته است» می‌خواند.

Zohar, Idra Rabba 3:14–6:25 ספר הזהר, האדרא רבא ג'י"ד–ו'כ"ה

32

مزمورسرا می‌گوید: خوشا به حال مردی که ה' او را تأدیب می‌کند و از تورات خود به او می‌آموزد. این نشان می‌دهد که رنج پالاینده از نام ه', یعنی از **חכמה**, سرچشمه می‌گیرد.

Psalms 94:12 תהילים צ"ד:י"ב

אשרי הגבר אשר יתקדשו קה ומתורתה תלמדנו:

Happy is the man whom Thou instructest, O L-RD, And
;teachest out of Thy law

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

33

سخن آگور (آگور): «زالو دو دختر دارد: بده! بده!»؛ تصویری از خواهشی سیری‌ناپذیر. maamar پوسته‌ها (קליפות, kelipos) را به زالویی تشبیه می‌کند که وقتی تا سیر شدن می‌مکد, می‌میرد.

Proverbs 30:15 משלי ל"ט:י"ו

לְעֹלֶקֶת שְׁתֵּי בָנוֹת הֵב הֵב שְׁלוֹשׁ הֵנָּה לֹא תִשְׂבַּעֲנָה אֶרְבַּע לֹא-אֶמְרוּ הֵן:
The horseleech hath two daughters: 'Give, give.' There are
three things that are never satisfied, Yea, four that say not:
"Enough"

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

34 שו"ה שתי בנות

نسخه خطی در اینجا می‌افزاید: «که با مکیدن خون دشمنان اسرائیل, **קליפות** بی‌درنگ می‌میرند».

یادداشت كهوت

בגותי"ק נוסף "שע"י שמוצצי' דם שונאיהם של ישראל אזי מיד מתים הקליפות".

35 וישלח יעקב

يعقوب (יעקב) پیشاپیش خود فرستادگانی نزد عيسو (עשו), برادرش, می‌فرستد (Kehot: **בראשית** 32:4); این **מאמר** (maamar) آن را به هدیه‌ای پیوند می‌دهد که سپس فرستاد (32:14-15).

Genesis 32:4 **בראשית** ל"ב:ד'

וַיִּשְׁלַח יַעֲקֹב מַלְאָכִים לְפָנָיו אֶל-עֵשָׂו אָחִיו אֶרְצָה שְׂעִיר שָׂדֵה אֱדוֹם:

And Jacob sent messengers before him to Esau his brother
unto the land of Seir, the field of Edom

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

یادداشت كهوت

בראשית לב, ד.

36 מנחה לעשו אחיו

يعقوب (יעקב) از آنچه داشت, «هدیه‌ای برای برادرش عيسو (עשו)» برداشت; آلتز ربی (آدمو"ר הזקן) هدیه را بخشیدن سهمی به شر' برای جدا کردن آن می‌داند.

Genesis 32:14 **בראשית** ל"ב:י"ד

וַיֵּלֶךְ שָׁם בַּלִּילָה הַהוּא וַיֵּקַח מִן-הַבָּקָר בְּיָדוֹ מִנְחָה לְעֵשָׂו אָחִיו:

And he lodged there that night; and took of that which he
:had with him a present for Esau his brother

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

37 עזים מאתים

هدیه يعقوب به عيسو شامل دويست بز ماده بود؛ دادن سهم سوي ديگر (سטרار **אחרא**, sitra achra) آن را جدا می‌کند.

Genesis 32:15 **בראשית** ל"ב:ט"ו

עֲזִים מְאֹתִים וְתִשְׁעִים עֲשָׂרִים רְחֵלִים מְאֹתִים וְאֵילִים עֲשָׂרִים:

two hundred she-goats and twenty he-goats, two hundred
ewes and twenty rams

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

موسی (مשה) به اسرائیل می‌گوید: همان‌گونه که مردی پسرش را تأدیب می‌کند, نام چهارحرفی (ה', Havayah) نیز شما را تأدیب می‌کند; تأدیب, وسیله‌ای محبت‌آمیز برای پالایش است.

Deuteronomy 8:5 **دברים** ח':ה'

וַיִּדְעַתָּ עַם-לִבְכָּךְ כִּי כְאִשֶּׁר יִסֵּר אִישׁ אֶת-בְּנוֹ ה' אֱלֹקֶיךָ מִיִּסְרָךְ:

And thou shalt consider in thy heart, that, as a man chas-
teneth his son, so the L-RD thy G-d chasteneth thee

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

39 כאשר ייסר אیش את בנו

نسخه خطی به جای آن می‌خواند: «چنان‌که پدری پسرش را تأدیب می‌کند» (**کتاب** **את בנו** **יוכיח**): آیه‌ای دیگر با همان مضمون تأدیب مه‌رامیز.

یادداشت كهوت

בגותי"ק: **כאב** **את בנו** **יוכיח**.

40 וכחשיכה כאורה

داوود (دود) می‌گوید: برای ه'، «تاریکی همچون روشنایی است»؛ این وصف تاج (כתר، Keser) است که میان نیک و بد تمایزی نمی‌گذارد.

Psalms 139:12 תהילים קל"ט:י"ב

גם־חֹשֶׁךְ לֹא־יִחְשֹׁךְ מִמֶּנִּי וְלֵילָה כִּי־אֵר כַּחֲשִׁיכָה כְּאוֹרָה:

Even the darkness is not too dark for Thee, But the night shineth as the day; The darkness is even as the light

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

41 דאם צדקת מה תתן לו

پاراسایی انسان چیزی به ه' نمی‌افزاید؛ مرتبۀ کתר و درخت حیات از کردارهای انسان تأثیر نمی‌پذیرد.

Job 35:7 איוב ל"ה:ז

אִם־צִדְקָתָּ מִה־תִּתְּנִילֹו אוֹ מִה־מִּידָד יִקַּח:

If thou be righteous, what givest thou Him? Or what receiveveth He of thy hand

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

10 بند

42 וכמ"ש בזהר גבי רבי אחא

یادداشت Kehot برای این عبارت به Zohar I, 101a ارجاع می‌دهد.

Zohar I, 101a זח"א קא, א

یادداشت كهوت

זח"א קא, א.

43 ربي اءا مكفر طرءا

داستان زوهار (זהר) دربارهٔ ربی آحا (رבי אחא)، که مردم کفار ترشا (כפר طرשא) را واداشت قطعۀ مربوط به بخور را بخوانند تا طاعون فروکش کند، و سپس در خواب به او گفته شد که آنان هنوز گناهکارند و باید توبه کنند.

Zohar, Vayera 6:123–127 ספר הזהר, וירא ו':קכ"ג-קכ"ז

44 ולכן מיד וישלחהו מג"ע . . ושמה יברר הבירורים

رَبِّی مَهاَرَش این عبارت را نقل می‌کند و در همان‌جا به Iggeres HaKodesh 26 اشاره می‌کند که اشتغال اصلی به تورا و מצוות، پالایش جرقه‌هاست.

یادداشت كهوت

مובא בסה"מ תרל"ד ע' קמג ושם מציין לאגה"ק סי' כו שעיקר עסק התורה והמצוות הוא לברר הניצוצות.

45 לעבד את האדמה אשר לקח משם

ה' אדם (אדם) را از عدن بیرون می‌فرستد تا به کشت‌وکار خاکی بپردازد که از آن گرفته شده بود؛ این را باید مأموریت پالایش جرقه‌ها دانست.

Genesis 3:23 בראשית ג':כ"ג

וַיִּשְׁלַחְהוּ ה' אֱלֹקִים מִגֶּן־עֵדֶן לַעֲבֹד אֶת־הָאֲדָמָה אֲשֶׁר לָקַח מִשָּׁם:

Therefore the L-RD G-d sent him forth from the garden of Eden, to till the ground from whence he was taken

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

11 بند

46 את האדמה אשר לקח משם

زمینی که انسان از آن گرفته شد؛ جایی که اکنون باید از آن بخورد و پالایش‌ها را به انجام رساند.

Genesis 3:23 بראשית ג':כ"ג

וַיִּשְׁלַחְהוּ ה' אֱלֹקִים מִגֶּן־עֵדֶן לַעֲבֹד אֶת־הָאֲדָמָה אֲשֶׁר לָקַח מִשָּׁם:

Therefore the L-RD G-d sent him forth from the garden of Eden, to till the ground from whence he was taken

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

47 ויניחהו בג"ע לעבדה זה [בגוכתי"ק: זו] רמ"ח מ"ע

ה' انسان را در باغ عدن نهاد «تا آن را کشت‌وکار کند و از آن نگاهیانی کند».

Genesis 2:15 בראשית ב':ט"ו

וַיִּקַּח ה' אֱלֹקִים אֶת־הָאָדָם וַיְנַחְהוּ בִּגְן־עֵדֶן לַעֲבֹדָה וּלְשִׁמְרָה:

And the L-RD G-d took the man, and put him into the garden of Eden to dress it and to keep it

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

Zohar I, 27a זח"א כז, א

Zohar II, 165b זח"ב קסה, ב

یادداشت كهوت

בראשית ב, טו. ראה תרגום יונתן בן עוזיאל שם. זח"א כז, א. זח"ב קסה, ב. ת"ז סוף תי' נד. ילקוט ראובני בשם מדרש.

48 וע"י רבוי התגלות האור ממילא יתעלו נצוצי קדושה

در آنجا آلتَر ربه (אדמו"ר הזקן) توضیح می‌دهد که در روزگار شلومو (שלמה) فرمانروایی (ملכות, Malchus) به عوالم فرودین فرود نیامد، اما شراره‌ها به‌واسطهٔ آشکارشدن عظیم در عالم صدور (אצילות, Atzilus)، خودبه‌خود پالایش شدند؛ «همچون شمعی در برابر مشعل»، پالایشی از نوع «آرامش»، نه جنگ. پس از ویرانی، فرمانروایی باید به پوستۀ تابناک (קליפת נוגה, kelipas nogah) فرود آید تا آنها را پالایش کند. او در آنجا به این מאמר (maamar)، «Hen ha'adam» (הן האדם)، ارجاع می‌دهد.

یادداشت كهوت

ראה גם בלקו"ת במדבר ג, ד. וראה גם לקו"ש ח"כ ע' 215 הערה 32.

49 שו"ה כנר — יוכלל

نسخۀ خطی به‌جای «یוכלل» («جذب خواهد شد»). «یکלה» («مصرف خواهد شد») را دارد: نور شمع در مشعل از میان می‌رود.

یادداشت كهوت

בגוכתי"ק: יכלה.

50 שו"ה תהיה — תהיה

نسخۀ خطی به‌جای «תהיה»، «יהי» را دارد؛ تفاوتی دستوری است و معنایی را تغییر نمی‌دهد.

یادداشت كهوت

בגוכתי"ק: יהי.

12 بند

51 לא גלו ישראל

تلمود می‌گوید که قدوس متبارک (קב"ה / קודשא בריך הוא, Kudsha Brich Hu) اسرائیل را در میان ملت‌ها تبعید کرد، تنها برای آن‌که

گرویدگانی به آنان افزوده شوند؛ اینجا باید آن را به معنای بالا بردن جرقه‌ها فهمید.

Pesachim 87b:14 פסחים פ"ז ב"ד

ואמר רבי אלעזר: לא הגלה הקדוש ברוך הוא את ישראל לבין האומות אלא כדי שיתוספו עליהם גרים, שנאמר: "וורעתיה לי בארץ". כלום אדם זורע סאה אלא לתקנים כמה כורין.

William Davidson, Vocalized Aramaic (CC-BY-NC)

Zohar I, 244a זח"א רמד, א

يادداشت كهوت

פסחים פז, ב. זח"א רמד, א. ראה גם לקמן יא, א. כ, ג. כו, ד. קיז, ב. ובלקו"ש כח"ה ע' 154 הערה 43 "ובביאור" (ויגש ע' קלו, א ואילך) בפ"י מארז"ל זה. ובביאור"ז להצ"צ (ח"ב ע' תשכו. תשל) מבאר מחז"ל זה גרים כפשוטו (ולא ניצוצי קדושה בכלל). וכ"ה בתו"א כ, ג" עכ"ל. וראה בספר השיחות תשנ"ב ח"א ע' 175.

52 שו"ה אם — היו נכללים הנצוצות

در دست‌نوشته، عبارت «جرقه‌ها دربرگرفته شد» به صورت مفرد آمده است و همان معنا را دارد.

يادداشت كهوت

בגוכתי"ק: ה'י נכלל הנצוצים.

53 נעמה העמונית

تلمود نعمة عمونی (نعمه) و روت موآبی (روت) را «دو کبوتر نیکو» می‌خواند که عمون و موآب به خاطرشان از نابودی در امان ماندند؛ نمونه‌ای از جرقه‌ای که به درون اسرائیل کشیده می‌شود.

Bava Kamma 38b:2-3 בבא קמא ל"ח ב:ב-ג'

אמר לו הקדוש ברוך הוא: לא כשעלתה על דעתך עלתה על דעתי, שתי פרידות טובות יש לי להוציא מהן — רות המואביה ונעמה העמונית. והלא דברים קל וחומר, ומה בשביל שתי פרידות טובות — חס הקדוש ברוך הוא על שתי אומות גדולות ולא הקריבן; בתו של רבי — אם כשרה היא וראויה היא לצאת ממנה דבר טוב, על אחת כמה וכמה דנהיה תיה.

William Davidson, Vocalized Aramaic (CC-BY-NC)

54 וכמ"ש במלכת שבא

ملکه سبا از آوازه سلیمان (שלמה) باخبر شد و آمد تا با معاها او را بیازماید؛ نمونه‌ای از ملت‌هایی که نور دوران معبد آنها را به‌سوی خود کشاند.

I Kings 10:1 מלכים א' י'

ומלכת־שבא שמעת את־שמע שלמה לשם ה' ותבא לנסתו בחידות:

And when the queen of Sheba heard of the fame of Solomon because of the name of the L-RD, she came to prove him with hard questions

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

يادداشت كهوت

מלכים-א י, א. ראה ד"ה בלע המות תשכ"ה הערה 17 "דזה שנתערר בה לבוא לשלמה הוא מצד הביטול שנעשה בה [בהיותה עדיין בארצה] ע"י ששמעה את שמעו". ראה סה"מ תרנ"ט ע' קסב "דמצד גדולת שמו שנשמע למרחוק גם באיים הרחוקים מתבטלים כולם אליו ונמשכים אליו.

55 ה' از زبان صفیا (صفניה) وعده می‌دهد: «آنگاه زبانی روشن (برורה, berurah) به قومه‌ها بازخواهم گرداند, تا همگی نام چهارحرفی (ה', Havayah) را بخوانند.» بر ורה («روشن», «پاک») با پالایش‌ها

(בירורים, birurim) ریشه مشترک دارد: جرقه‌ها به‌واسطه نور آشکار پالایش خواهند یافت.

Zephaniah 3:9 צפניה ג':ט'

כי־אז אהפך אל־עמים שפה ברוך לקרא כלם בשם ה' לעבדו שקם אחד:

For then will I turn to the peoples A pure language, That they may all call upon the name of the L-RD, To serve Him with one consent

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

56 והלכו גוים לאורך

اشعيا (ישعיה) خطاب به اورشليم (ירושלים): «ملت‌ها در پرتو نور تو گام خواهند برداشت؛ ملت‌هایی که نور اسرائیل آنها را به‌سوی خود می‌کشد.

Isaiah 60:3 ישעיהו ס':ג'

והלכו גוים לאורך ומלכים לננה ורחד:

And nations shall walk at thy light, And kings at the brightness of thy rising

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

57 גופו נלקח ממקום המזבח

يادداشت Kehot برای این عبارت به Sanhedrin 38b ارجاع می‌دهد.

Sanhedrin 38b סנהדרין ל"ח ב

يادداشت كهوت

פרקי דר"א פרק יב. וראה סנהדרין לה, ב שגופו מבבל. בזח"א קל, ב. שגופו מדי, רוחות העולם.

58 גופו נלקח ממקום המזבח

میدراش می‌گوید ه' آدم (آدم) را «در مکانی پاک, جایگاه معبد مقدس» آفرید؛ لتر ربّه (آدمو"ר הזקן) برای نشان‌دادن مقدس‌بودن بدن آدم به این گفته استناد می‌کند.

Pirkei DeRabbi Eliezer 12:1 פרקי דרבי אליעזר י"ב:א'

חבה ותרה חבב הקדוש ברוך הוא לאדם הראשון, שבראו במקום טהור, במקום בית המקדש, והקניסו לאפדנו. שנאמר (בראשית ב, טו): "ויקח ה' אלקים את האדם ויניחהו בגן עדן". מאי זה מקום לקחו? מבית המקדש, והקניסו לפלטינו שלו — זה גן עדן. שנאמר: "ויניחהו בגן עדן לעבדה ולשמרה". ושמה תאמר כי יש מלאכה בגן עדן לפתח ולשדד את האדמה. ולא כל האילנות נצמחין מאליהן?

ADAM IN PARADISE WITH love abounding did the Holy One, blessed be He, love the first man, inasmuch as He created him in a pure locality, in the place of the Temple, and He brought him into His palace, as it is said, "And the L-rd G-d took the man, and put him into the garden of Eden to dress it and to keep it" (Gen. 2:15). From which place did He take him? From the place of the Temple, and He brought him into ... His palace, which is Eden

Pirke DeRabbi Eliezer, Sefaria Vocalized Edition (Public Domain) • Pirke de Rabbi Eliezer, trans. Rabbi Gerald Friedlander, London, 1916 (Public Domain)

59 שו"ה וממנו — נעשו

دست‌نوشته به‌جای صورت «ساختم شدند», صورت «ساختند» را دارد.

يادداشت كهوت

בגוכתי"ק: עשו.

60 שו"ה אבל — הדבר היה

عبارت «امر چنین بود» در دست‌نوشته نیامده است.
یادداشت کھوت
בגוכתי"ק ליתא.

61 את האדמה אשר לקח משם

خاکی که انسان از آن گرفته شد: جایگاه پوسته‌ها (کلیפות, kelipos) که پس از گناه باید به آن فروود آید.
Genesis 3:23 براسیت ג'כ"ג
ושלחהו ה' אלקים מגן עדן לעבד את־האדמה אשר לקח משם:
Therefore the L-RD G-d sent him forth from the garden of Eden, to till the ground from whence he was taken
Miqrā according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

بند 13

62 שו"ה עצמו — שמה שצוה

نسخه خطی به جای «שמה שצוה» عبارت «שאשר ציוו» را دارد؛ معنای هر دو یکی است.
یادداشت کھوت
בגוכתי"ק: שאשר ציוו.

63 שו"ה יאכל — היה

واژه «היה» (بود) در نسخه خطی نیامده است.
یادداشت کھوت
בגוכתי"ק בהכתי"י ליתא.

64 שו"ה יאכל — ידיעה

نسخه خطی به جای «ידיעה» (آگاهی)، «נגיעה» (تماس) را دارد: نهی برای آن بود که آدم اصلاً با شر تماس نداشته باشد.
یادداشت کھوت
בגוכתי"ק: נגיעה.

65

کوهلس (קהלת) می‌گوید: «زمانی که انسان بر انسان فرمان می‌راند، به زیانی او.» اینجا آن را چنین بخوانید: زمان‌هایی که شرّ در انسان چیره می‌شود؛ چیزی که مار امیدش را داشت.

Ecclesiastes 8:9 קהלת ח'ט:

את־כל־מה ראיתי ונתון את־לבי לכל־מעשה אשר נעשה תחת השמש עת אשר שלט האדם באדם לרע לו:

All this have I seen, even applied my heart thereto, whatever the work that is done under the sun; what time one man had power over another to his hurt

Miqrā according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

66 ורכב

میدراش می‌گوید سَمال (سمال) هیچ آفریده‌ای را در شرارت به خردمندی مار نیافت؛ شکل مار مانند شتر بود، و او بر آن سوار شد و آن را راند تا حوا (حوا) را گمراه کند.

Pirkei DeRabbi Eliezer 13:5 פרקי דרבי אליעזר י"ג:ה'

דן דין נחש בינו לבין עצמו ואמר: אם הולך אני ואומר לאדם, ידע אני שאינו שומע לי, שהאיש לעולם קשה, שנאמר: "והאיש רע מעללים". אלא הולך אני ואומר לתנה, שהאשה שאני יודע שהיא שומעת לי, שהנשים נשמעות לכל הבריות, שנאמר: "פתיות וכל נדעה מה". והלך הנחש ואמר לאשה: "וכי אתם מצוים על פרות האילן?" אמרה לו:

"הו", שנאמר: "ומפרי העץ אשר בתוך הגן". כיון ששמע הנחש דבריה של תנה, מצא לו פתח להכנס. ...

The serpent argued with itself, saying: If I go and speak to Adam, I know that he will not listen to me, for a man is always hard (to be persuaded), as it is said, "For a man is churlish and evil in his doings" (1 Sam. 25:3); but behold I will speak to Eve, for I know that she will listen to me; for women listen to all creatures, as it is said, "She is simple and knoweth nothing" (Prov. 9:18). The serpent went and spake ... to the woman

Pirke DeRabbi Eliezer, Sefaria Vocalized Edition (Public Domain) • Pirke de Rabbi Eliezer, trans. Rabbi Gerald Friedlander, London, 1916 (Public Domain)

67 שו"ה ואמר — ידע . . וגוי

نسخه خطی به جای «ידע»، «یודע» را دارد (مطابق عبارت آیه). و «وگוי» در آن نیامده است.
یادداشت کھوت
בגוכתי"ק: יודע . . ליתא.

68 כי ידע אלקים כי ביום אכלכם ממנו

سخنان مار به حوا (حوا) که آلتز ربه (ادمو"ר הזקן) نشان می‌دهد به معنای دقیق کلمه راست بودند.

Genesis 3:5 براسیت ג'ה':

כי ידע אלקים כי ביום אכלכם ממנו ונפקחו עיניכם והייתם כאלקים ידעי טוב ורע:

for G-d doth know that in the day ye eat thereof, then your eyes shall be opened, and ye shall be as G-d, knowing good 'and evil

Miqrā according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

69 שו"ה פנימי — לו

نسخه خطی به جای «לו»، «ولو» (و برای او) را دارد.
یادداشت کھوت
בגוכתי"ק: ולו.

70 שו"ה כי — למעליותא . . שיהיה יודע

نسخه خطی به جای «למעליותא» (به‌عنوان امتیاز)، «למעלה» را دارد؛ و به جای «שיהיה יודע»، «שיהיו יודעי» را دارد (اینکه آنان دانای ... باشند).
یادداشت کھوت
בגוכתי"ק הב"ל: למעלה . . שיהיו יודעי.

بند 14

71 שאדה"ר ה' הולך בהיכלות

تسماع تسدک می‌نویسد که این را از آلتز ربی شنیده است: آدم در تالارها رفت‌وآمد می‌کرد و از بعل‌شم‌طوف، آریزال و حتی ربی شمعون بار یوحای بالاتر بود، زیرا دست‌ساخته خود הקב"ה بود؛ در واییشو نیز می‌افزاید که این سخنان در پاراشات برשית 5572 شنیده شد.

یادداشت کھوت

באוה"ת ענינים ע' פו: "וכן שמעתי הלשון מרבינו ז"ל שאמר בענין אדה"ר, שאדה"ר ה' הולך בהיכלות כי בחי' אדם הוא למעלה מהבעש"ט והאריז"ל וגם מרשב"י כי ה' בערך אחר ממש שהרי ה' יציר כפיו של הקב"ה ע"כ", ע"ש. המשך וככה תרלו פרק קכט. סה"מ תרס"ח ע' קצד. ובאוה"ת וישב כרך ו תתרפה, ב מסיים "כזה"ל שמענו מרבינו ז"ל פ' בראשית תקע"ב". ענין זה זכור בלקו"ת צו ח, ג, יז, ד.

72 גם מרשב"י

اور هاتوره میگوید آدم بسیار بالاتر از بل شمطوف، آریزال و ربی شمعون بار یوحای بود، و در مجلد بالاک درباره سه گونه «انسان» بحث می‌کند.

یادداشت کهوت

ראה באוה"ת פ' וישב כרך ו שם שהי' למעלה מעלה מהבעש"ט והאריז"ל וגם מרשב"י. וראה גם בדרוש ג' מיני אדם באוה"ת פ' בלק ע' תתקע, ובלקו"ת פ' צו ח, ג כי הרי אפילו הנשמות הגבוהות מאד שמיחוד או"א דאצילות שזהו נשמה דאצילות הוא כערך הבריאה לגבי אצילות ממש נגד נשמת אדה"ר כנ"ל (ועיי' בזהר תרומה דף קס"ז ע"ב). עכ"ל. ובדף ח, ב מביא שם בשם ספר הגלגולים פ"ט שאדם הראשון קודם החטא הי' לו נשמה לנשמה מאצילות ע"ש. בהגה"ה כת"י על תו"א מציין ללקו"ת פ' צו ח, ב בהביאור ואכלתם אכול דשם נמצא בשינוי לשון קצת.

73 והשיאו הנחש שעכ"פ יביט מה יש בהם

یادداشت Kehot برای این عبارت به Zohar II, 193b ارجاع می‌دهد.

Zohar II, 193b זח"ב קצג, ב

یادداشت کهوت

להעיר מזח"א נב, א. זח"ב קצג, ב.

74 וכן שמעתי מהקי' ר' [בנוכח"ק: מר'] אברהם בן הה"מ

تعلیم ربی ابراهیم، پسر مگید، درباره «و یهوذا روی آورد» نیز همان‌جا آمده است.

یادداشت کهوت

וכ"ה גם באוה"ת בראשית כרך ו שם.

75 ויש יהודה עד איש עדولמי

زوهَر (זהר) عبارت «یهودا از نزد برادرانش فرود آمد... و به سوی مردی عدلامی روی آورد» را فرودی به مرتبه‌ای پایین‌تر می‌خواند؛ مرتبه‌ای که مار به آن وابسته است.

Zohar, Vayeshev 13:143-15:153 ספר הזהר, וישב י"ג:קמ"ג-

ט"ו:קנ"ג

R. Eleazar replied: "There is a deep mystic allusion in these sentences, which explains all. Thus Judah going down from his brethren symbolizes the moon becoming obscured and descending from the perfected grade to another grade to which the serpent becomes associated, as is indicated in the statement: "and he turned into a certain Adullamite, whose name was Hirah".

The Zohar; London, Soncino Press, 1933 (Public Domain)

76 ויש יהודה עד איש עדולמי ושמו חירה

یهودا (יהודה) از نزد برادرانش فرود آمد و به سوی مردی عدلامی به نام حیره (חירה) روی آورد (خیمه‌اش را در نزدیکی او برپا کرد)؛ اینجا باید آن را فرودی برای بالا بردن جرقه‌ها خواند.

Genesis 38:1 בראשית ל"ח:א'

וַיְהִי כַּעַת הַהִוא וַיֵּרֶד יְהוּדָה מֵאֵת אֶחָיו וַיֵּשֶׁב עַד-אִישׁ עַדְלָמִי וְשֵׁמוֹ חִירָה:

And it came to pass at that time, that Judah went down from his brethren, and turned in to a certain Adullamite, whose name was Hirah.

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

77 פי' ויש היינו שנטה למטה בהיכלות הקליפות

اور هاتوره در آنجا از زوهر نقل می‌کند که یهوذا به مرتبه مار فرود آمد؛ این مطلب خواندن «روی آورد» را به معنای نزول به قلمرو کליפות تأیید می‌کند.

یادداشت کهوت

באוה"ת חנוכה כרך ב שכו, א מציין לזח"א קפו סע"א שנטה עד דרגא דחורא, ע"ש.

78 כדי להעלות נצוצות משם

طبق یادداشت، در آنجا توضیح می‌دهد که این فرود برای بالا آوردن جرقه‌ها، همان موضوع تبعید حضور الهی (שכינה, Shechinah) است.

یادداشت کهوت

ראה בסה"מ תרכ"ט ע' יא [בהוצאת תשנ"ב ע' יג] שז"ע גלות השכינה ע"ש. בענין יהודה ותמר ראה במאמרי אדה"ז על מאמרז"ל ע' רכז שכי' שגם ביהודה לא היה כוונה רק לש"ש בלבד. . בכדי שיתגבר עליו אח"כ בניצוח גדול יותר. וראה גם ביאורה"ז להצ"צ כרך א ע' קלו. דרך מצותיך לב, ב. סה"מ תרס"ט ע' קכג.



درباره این نسخه

.the notes و our explanations ,the English translation ,This edition contains the Hebrew text

The Hebrew text of Torah Ohr: © Kehot Publication Society, via Sefaria, CC BY-NC 4.0; formatting adapted.

.Our English translation, made from the Hebrew without Kehot's notes: CC BY-NC 4.0

.Our explanations, with the overview, the questions and the page for children: CC BY-NC 4.0

The notes: Kehot's marei mekomos ("Sources and References", including the Rebbe's notes) © Kehot Publication Society, via Sefaria, CC BY-NC 4.0; formatting adapted; our notes on them: CC BY-NC 4.0.

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA); The Holy Scriptures: A New Translation (JPS 1917) از طریق سفاریا: (Public Domain); William Davidson Edition - Vocalized Aramaic (CC-BY-NC); Kehot Publication Society (CC-BY-NC); Pirke DeRabbi Eliezer, Sefaria Vocalized Edition (Public Domain); Pirke de Rabbi Eliezer, trans. Rabbi Gerald Friedlander, London, 1916 (Public Domain); The Zohar; London, Soncino Press, 1933 (Public Domain)

This edition as a whole: CC BY-NC 4.0. Shuls, schools and non-profit projects may copy, print and share it freely, and may ask for donations to cover the cost of printing; it may never be sold. Credit Kehot Publication Society and likuteitorah.com. <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

ترجمه و شرح انگلیسی: با کمک هوش مصنوعی (openai/gpt-6-luna-pro:batch) برای likuteitorah.com تهیه شده و با متن عبری و سفاریا مقابله شده است؛ هنوز ویراستار انسانی آن را بازبینی نکرده است. لطفاً هر مطلب مهمی را با متن عبری مقابله کنید.

ربه خواست که ماماریم پارشای آن هفته، «پارشای حسیدی»، در همان هفته و در طول هفت روز آن آموخته شوند (Sichah of Shabbos Parshas Vayakhel 5725 · Toras Menachem vol. 42, pp. 306–309). چرا آن را بیاموزیم و برکات ربه: likuteitorah.com/about/the-chassidishe-parsha

پروژه‌ای رایگان و غیرتجاری؛ هیچ چیز در اینجا فروخته نمی‌شود. وابسته به Kehot, Sefaria یا کتابخانه لوباوویچ نیست. © likuteitorah.com

از likuteitorah.com/fa/torah-ohr/bereishis/7/

تقديم به افتخار

מוקדש לכבוד הגאון המקובל רבי לוי יצחק שניאורסאהן זצ"ל

پدر ربه، رب لیوی بیتسخاک